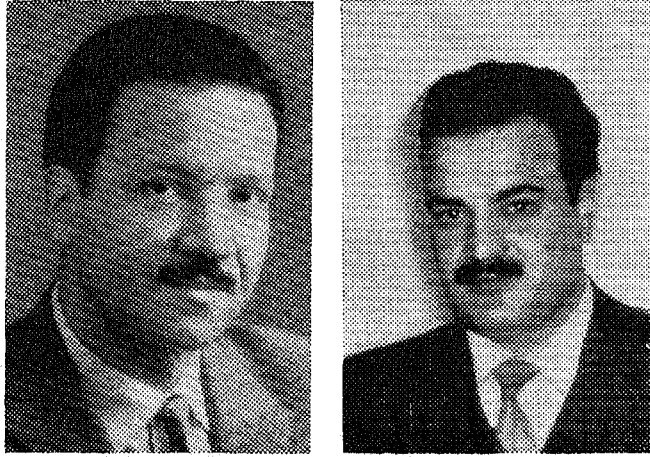


مردم ارگان مرکزی ضرب توده ایران



بیاری دوستانی بشتابیم که در آستان نیستی ایستاده اند! دست دژخیم را بازداریم!

(از راست بچپ) پرویز حکمت جو، علی خاوری

بنیاست اول ژوئن روز جهانی کودک

همه پدران و مادران، همه سازمانهای زنان را فرا میخوانیم تا در راه اجرای «اعلامیه حقوق کودک» پیکار کنند!

از لحظه‌ای که کودک اعلامیه‌ای که در طاق پایا به عرصه هستی بسیار ماده شده است میگذارد حقوقی بوی تلق میگیرد که جامعه موظف به تأمین آنها، موظف به حمایت از کودک در برابر تمام مشکلاتی است که مانع رشد جسمی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی میشود. بخصوص از آنجهت که کودک انسانی است نارس، حمایت جامعه از وی جنبه خاص دارد. زیرا سالمندان در موارد نقض حقوق انسانی میخوانند خود شخصاً برای احیاء و تأمین حقوق خویش مبارزه کنند ولی کودکان که به علت فقدان قابلیت جسمی و فکری قادر به مطالبه حقوق خویش نیستند، توجه دقیق به حقوق آنان در حیطه وظائف دولتها، خانواده ها و سازمانهای مربوطه قرار میگیرد. از این نظر در کشور های مترقی همه امکانات برای پرورش جسمی و فکری کودکان آماده است و شخصیت کودک بعنوان سازنده جهان فردا مورد توجه قرار دارد. اما این نقطه در بخش از جهان ماست که مردم به سرنوش خویش حاکم اند و در بخش عظیم تر، یا کودکان بعنوان موجودات صاحب حقوق اصولاً بحساب نمیآیند یا در زمینه های بسیار، حقوق آنها نقض میشود. بدینجهت است که پس از جنگ جهانی دوم، در کشور های

موجودات سازمانهای دفاع از کودک بوجود آمد و سازمان ملل که زمانی اعلامیه حقوق بشر را تصویب کرده بود، بر اثر مبارزه این سازمانها خود را ناگزیر یافت برای توجه مخصوص دولتها به حقوق کودکان، اعلامیه حقوق کودک را در نوامبر سال ۱۹۵۹ نشر دهد. اما همانطور که اعلامیه حقوق بشر از جانب بسیاری از دولتها نقض شده، اعلامیه حقوق کودک نیز بفراموشی سپرده شده است و نمونه کامل این هر دو را در کشور خودمان می بینیم. از آنجهت که این اعلامیه پس از هفت سال از صدور آن، از طرف رژیم شاه نادیده گرفته شده وضع کودکان ایران را در چار چوب همین اعلامیه بررسی میکنیم و از پدران ومادران ایرانی دعوت میکنیم تا همانطور که در راه تحقق اعلامیه حقوق بشر علیه رژیم شاه مبارزه میکنند برای تأمین خوشبختی کودکان خویش، اجرای اعلامیه حقوق کودک را از دولت مصراغه خواستار شوند.

«اعلامیه حقوق کودک» با این جمله آغاز چه می گوید؟ میشود، سلامت جسمی و فکری کودکان باید نخستین آرزوی هر ملتی باشد و سپس تأکید میشود که: «هر کودکی باید امکانات رشد و پرورش در شرایط عادی را دارا باشد». نیازی به تفصیل ندارد که نه تنها شرایط عادی رشد و پرورش برای کودکان ما فراهم نیست بلکه آنها بعنوان معصوم ترین قربانیان رژیم سلامت جسم و روحشان را خطرناک عقیده تهدید میکنند.

نطق رفیق رضا رادمش

در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چکوسلواکی

رفقای عزیز! اجازه دهید درود های پرشور کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضاء حزب و همه مردم زحمتکش و مترقی ایران را بمناسبت تشکیل سیزدهمین کنگره حزب تات به شما و بوسیله شما ب همه مردم زحمتکش چکوسلواکی تقدیم دارم و موفقیت های بازم بیشتری را برای شما آرزو کنم.

کنگره سیزدهم حزب کمونیست چکوسلواکی حادثه مهمی در تاریخ حزب کمونیست چکوسلواکی و مرحله جدیدی در جهت بسط و تکامل همه جانبه جامعه رشد یافته سوسیالیستی شما بشمار میرود. کنگره شما گام مهمی در جهت تحکیم و تقویت اردوگاه سوسیالیستی و نمایش جدیدی از وحدت جنبش کمونیستی و کارگری در مقیاس جهانی است.

امپریالیسم و ارتجاع از پیروزی هائیکه نصیب اردوگاه سوسیالیستی، جنبشهای رهایی بخش ملی و جنبش کمونیستی و کارگری جهانی میگردند هراسناک است. همه جا مستقیم یا بوسیله عوامل خود میکوشد سیر پروسه انقلاب جهانی را متوقف سازد.

ما هر روز شاهد و ناظر نشیبت تازه ای از جانب امپریالیسم و ارتجاع جهانی هستیم و بنام «کوبا» کشورهایی از خاور میانه و خاور نزدیک، مظاهر چند و بازی از توطئه و تجاوز و تهاجم امپریالیستی است که اعتراض و نفرت و انزجار و خشم و غضب تمام

یک گام بجلو از طرف کنگره جنبه ملی (بخش امریکا)

در تعیین هدف و راه و مبارزه

رژیم شاه داده شده بود « مبارزه خود را شروع میکرد. روزنامه «باختر امروز» سپس مینویسد: «از آن بعد تاکنون جهت مبارزه جنبه ملی ایران در کادر قانون اساسی برای تحمیل یک انتخابات آزاد بحکومت خود کامه شاه بوده است». باختر امروز سپس نتایج اجراء این تاکتیک پارلمانی را مورد مذاقه و سنجش قرار میدهد و نتیجه میگیرد: «استراتژی انتخابات آزاد و یا تنها مبارزه در کادر قانون اساسی و چسبیدن بآن (که تازه تعدادی از مواد آنها در اثر توطئه های مکرر و مجلسین مؤسسان فلابی تغییر روح و ماهیت داده و علناً و عملاً در خلاف جهت منافع ملی و انسانی ملتها عوض شده است) آنها در مقابل دست گاهی که بآن معتقد نیست و برخلاف قانون همه کار میکند و در مقابل

«فصلی نو در مبارزه» گفته شده است که اساسی ترین عمل کنگره جنبه ملی ایران (بخش امریکا) تغییر اصل دوم از اصول سگانه هدف های جنبه ملی ایران در قسمت مربوط باستراتژی مبارزه جنبه بود. مقصود آقایان از عبارت «استراتژی مبارزه» همان چیز است که ما راه و شیوه مبارزه و انقلاب مینامیم. باری در این مقاله ذکر شده است که موافق اصل دوم هدفهای جنبه ملی ایران مصوب سال ۱۳۳۹ هدف جنبه عبارت بود از «استقرار حکومت قانونی» و راه نیل آن عبارت بود از «انتخابات عمومی و آزاد». در مقاله توضیح داده شده است که اصل فوق زمانی طرح و تصویب شد که جنبه ملی در ایران پس از «یک مرحله طولانی خفقان مطلق سیاسی... مجدداً در محیطی که در آن ندای دروغین «انتخابات آزاد» از طرف

اخیراً شماره ۱۴ (اردیبهشت ماه ۱۳۴۵) روزنامه «باختر امروز» ارگان جنبه ملی ایران (بخش امریکا) بدست ما رسید. این روزنامه از برگذاری کنگره جنبه ملی ایران (بخش امریکا) در تاریخ ۹ و ۱۰ آوریل در شهر نیویورک با شرکت نمایندگان سازمان سابق جنبه ملی ایران در تبعید و سازمان سابق جنبه ملی ایران در امریکا خبر میدهد. دو سازمان نامبرده خود را منحل شده اعلام کردند و افراد آن در سازمان واحدی بنام «جنبه ملی ایران (بخش امریکا)» گرد آمدند. از آنجا که اتحاد و تشکل نیروهای ضد رژیم از نظر ما حادثه ای است بسود نهضت رهایی بخش ایران، لذا ما به نوبه خود از پیدایش سازمان واحد جنبه ملی ایران در امریکا خرسندیم.

در همین شماره طی مقاله ای تحت عنوان

بقیه از صفحه ۱

همه پدر و مادران ، همه سازمانهای زنان را فرا میخوانیم تا در راه اجرای «اعلامیه حقوق کودک» بیکار نکنند!

دولت جانشین خانواده

برای آنکه اهمیت توجه خانواده در پرورش روحی کودکان تصریح گردد، اعلامیه تا یکم میگذرد:

در مورد کودکان، اقدامات دولتی باید بنحوی باشد که جای خانواده را بر کند ، یعنی کودک با وجود فقدان پدر و مادر چنان مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود را در آغوش خانواده احساس نماید . اما سرنوشت غم‌انگیز کودکان یتیم در میهن ما ، از کسی پنهان نیست ، کودکانی که در زیر پلها ، گوشه خیابانها ، در آغوش سگها و کنار مسجد ها شب را به روز میآورند . بسواد ، فاسد و خوددرو بار میآیند و هیچ قانونی از آنها حمایت نمیکند . تازه آن عده تالیلی هم که در یتیم خانه ها بزرگ میشوند نه تنها اقدامات دولت بنحوی نیست که خود را در آغوش خانواده خویش حس کنند بلکه یکس در هر قدم درد گزنده یتیمی را در قلب کوچک خویش احساس میکنند . از کودکان سر راهی که در کنار تلهای خاکروبه و اعماق تاریک کوچه پس کوچه ها ، طعمه سرما و سگان درنده میشوند نیز جا دارد یاد کنیم . فقط در تهران روزانه بین ۵ تا ۱۰ طفل سر راه گذارده میشوند و مؤسسات خیریه بعلت پر بودن ظرفیت از قبول آنها خودداری میکنند . (اطلاعات - ۲۱ شهریور ۱۳۴۲)

اینها سرنوشت اسف انگیزتری دارند زیرا اگر هم زنده بمانند جامعه بیمنان کودک نامشروع آنان را خوار می شمارد . در حالیکه در تمام کشور های پیشرفته جهان هیچگونه امتیازی بین ایندسته از کودکان و کودکانی که ثمره ازدواج قانونی زن و مرد هستند وجود ندارد زیرا کودکان گناهی نیست و عدالت چنین حکم میکند .

هر کودکی باید از بدو تولد موجبات رشد جسمی ، فکری ، اخلاقی و اجتماعی او فراهم گردد ، اجرای این ماده از اعلامیه حقوق کودک وظایف گوناگونی را در زمینه تأمین معاش ، مسکن ، بهداشت و فرهنگ کودکان بر عهده دولتها میگذارد . آیا رژیم شاه بوظایف خود در این زمینه توجه داشته است ؟

فقر عمومی ، حیات و رشد جسمانی کودکان

رشد جسمانی کودکان باشد تا بتواند حد اقل از ما را بخطر انداخته بر خوردار شود لازمه است غذا و پوشاک کافی مسکن تمیز و آنتیگیر ، پزشک و دارو در اختیار داشته باشد تا در برابر بیماریهای گوناگون حفظ شود . اما فقر عمومی در کشور ما موجب شده است که اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند ، سوء تغذیه ، فقدان پوشاک کافی ، مسکن غیر بهداشتی و نبود پزشک و دارو ، مرگ و میر را در بین کودکان به امری رایج و متداول تبدیل ساخته است . علاوه بر آنکه ، این عوامل منفی در رشد جسمی کودکان حتی در خانواده های شهر نشین که نسبت به روستا نشینان از رفاه بیشتری بر خوردارند تأثیر خود را باقی گذاشته است . امینی در دوران نخست وزیری خود اعتراف کرد که : « اطفال جنوب و شمال شهر از لحاظ قد و اندام تفاوت قائلش دارند ، اکثریت کودکان ما گرسنه و نیمه گرسنه اند در روستاهای دور افتاده ایران کودکان با گیاه ، حشره هسته خرما سد جوع میکنند و در شهر ها غذای ناکافی سلامتی آنانرا بخطر میاندازد . خانه های روستائی مرکز نشو و نمای میکروبها و آفت سلامتی کودکان است . در این خانه ها انسان و گاو و گوسفند و مرغ و خروس و سگ و گریه در کنار هم بسر میبرند و کودکان که لطیف تر و مستعدتر برای ابتلا به بیماریهای های گوناگون هستند خیلی زود سلامتی خود را از دست میدهند . طبق گزارش رسمی وزارت کار در

همین تهران ، در کنار کاههای رفیع ، ساکنین گود ها که تعدادشان چندین هزار نفر بر آورده شده از اطاق نشین خود بجای طویله هم استفاده میکنند و در همین طویله های بی در و بیسکر است که کودکان محصور در کنار حیوانات میخورند و میخوابند .

سطح نازل بهداشت در ایران ، بیش از بزرگسالان ، زندگی کودکان را دچار خطر میکند . کودکان روستائی در اکثریت مطلق خود رنگ پزوشک و دارو نمی بینند و در شهر ها نیز خانواده های متوسط و بی چیز بعالت گرانی دارو و درمان ، کودکان خویش را بهنگام بیماری بدست قضا و قدر می سپرند . بر این اساس است که طبق نوشته روزنامه اطلاعات : « در سال ۱۳۴۳ ، ۵۲ درصد تلفات در سنین بین بدو تولد تا ۵ سالگی بوده است .

فرهنگ طبقاتی مانع عمده پرورش فکری و روحی کودکان است

ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر ، تصریح میکند که هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره مند شود ، و مطابق تصمیم سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۶۰ تمام کشور ها متعهد شده اند که : « امکان تحصیلات ابتدائی اجباری و مجانی را برای مردم فراهم کنند ، اما سیستم فرهنگی ما که روز بروز بیشتر محتوی طبقاتی خود را آشکار میسازد تقض آشکار اعلامیه حقوق بشر و تصمیم یونسکو است . رژیم شاه درباره تعلیمات اجباری و مبارزه با بیسوادی جنجال تبلیغاتی خود را به پهنه گیتی کشانده است با این وجود ایران از نظر تعداد بیسوادان همچنان در شمار کشورهای عقب مانده دنیاست . شاه مدعی است که منشور ۶ مادهای وی بچنگ بیسوادی در روستای ایران رفته است ولی همه می بینند که حتی در تهران دبستان کافی وجود ندارد . هر سال بنا به آمار رسمی ، ۵۲ درصد از کودکان بسن تحصیل امکان تحصیل نمی یابند . اکثریت مطلق کودکان ده و نیمی از کودکان شهر نشین در دورانی که باید سرخوش و شاد درس بخوانند و بازی کنند ، با کار و زحمت آشنا میشوند . کارخانه ها ، کارگاهها و مزارع ایران عرصه استثمار وحشیانه کودکان خردسالی است که بجای تحصیل به فروش نیروی کار خود مجبور شده اند . با آنکه کار کودکان کمتر از ۱۲ سال حتی بوجوب قانون کار موجود منع شده ، ولی اکثریت کارخانه ها و کارگاههای ایران از وجود کارگران خردسال استفاده میکنند . اعلامیه حقوق کودک ، استثمار کودکان را صریحاً منع نموده و یاد آور شده است که حمایت از کودک در برابر تمام اشکال استثمار لازم و ضروری است .

علاوه بر حقوق کودک در زمینه تعلیم و تربیت برای آنکه کودکان افراد مفید و کار آملی برای اجتماع خود باشند ، در اعلامیه تصریح شده است که باید آنانرا از خطرات ناشی از فیلم ها ، کتاب ها و مجلات و برنامه های رادیو تلویزیونی که به پرورش روحی و اخلاقی کودکان زبان میرساند بر کنار داشت و بدینمنظور انتشار کتابها و مجلات خاص کودکان تهیه قیلمهای تربیتی ، تنظیم برنامه های رادیو تلویزیونی که به رشد روحی و شخصیت اخلاقی کودک کمک کند توصیه شده است . اما همه میدانند فیلم های « کودکان ما تماشا میکنند » مجلات و کتابهایی که میخوانند و اکثریت برنامه های رادیو و تلویزیون تا چه حد برای کودکان زیان بخش و گمراه کننده اند و در پرورش روحی کودک نه تنها نقش تربیتی ندارند بلکه عامل انحطاط و تخریب هستند . اکنون فقط چند سالی است که به ترجمه و تلویزیون برخی کتابهای خاص کودکان اقدام شده است ، تازه این کتابها هم غیر کافی و هم در اکثریت مطلق خود منطبق با نیاز روحی کودکان ما نیست .

گردش و تفریح بمشابه حق تفریح و استراحت عامل مهمی در پرورش روح برای کودکان و جسم کودک جزء حقوق وی بشمار آمده است . اعلامیه تصریح میکند که : « تفریح و استراحت حق کودکان است . روزنامه اطلاعات ارگان نیمه رسمی دولت را شاهد میآوریم تا ثابت شود که در شرایط کنونی حتی مسئله تفریح و بازی کودکان به چه شکل لاینحالی تبدیل شده است . اطلاعات در ۲۴ اردیبهشت امسال نوشت : « اگر تمام شهر ۲ میلیون نفری تهران را واجب ندید برای نمونه یک زمین با وسایل تفریح سالم برای بچه ها بمعنی واقعی آن پیدا نخواهید کرد و این دو سه پارکی هم که بطور ناقص ایجاد شده ، سالی به دوازده ماه یا تعطیل است و یا در دست تعمیر . بدینجهت است که کودکان ما یا زندانی چهاردیواری خانه هستند و یا سرگردان کوچه و خیابان بدون تفریح ، بدون سرگرمی ، بدون استراحت ، خمود و کسل و روحاً بیمار ، ظرفیت را پشت سر میگذرانند بی آنکه از لذات دوران کودکی بهره ای برده باشند . هر روز تعداد بیشتری ضرورت ایجاد شبکه شیر خوارگاهها و اجتمعی کشور ، شرکت فعال میجویند ، اشتغال زنان در خارج از خانه وجود شبکه ای از شیرخوارگاهها و کودکانها را به امری ضرور مبدل میسازد . تنها در اینصورت است که مادران میتوانند وظایف اجتماعی خود را با فراغ بال انجام دهند . در همه کشور های مترقی جهان در شهر ، روستا در کنار کارخانه ها و بنگاهها و ادارات چنین مؤسسه ای وجود دارد و از کودکانی که مادرانشان کار میکنند طبق برنامه های صحیح بهداشتی و تربیتی پذیرائی میکنند . از وجود چنین تأسیساتی در میهن ما اثری نیست فقط عده قلیلی کودکان ، آنهم در برخی از شهر ها وجود دارد که غالباً مورد استفاده خانواده های ثروتمند است و کودکان خانواده های زحمتکش را بدانجا راهی نیست . یکی از وظایف مهم پدران و مادران و بخصوص جمعیتهای زنان ، مبارزه در راه ایجاد اینگونه مؤسسات است .

صرف میلیونها ریال از بودجه ناتوان کشور برای مصارف جنگی ، فقر خانواده ها و در نتیجه محرومیت کودکان را تشدید نموده است . در حالیکه کودکان ما غذا ، دوا ، کودکان ، مدرسه ، پزشک و بیمارستان ندارند ، فقط در سال گذشته رژیم شاه در حدود ۲۵ میلیارد ریال بمصرف هزینه های جنگی رسانده است . اگر مبارزه پدران و مادران در راه صلح اهمیت درجه اول کسب نموده ، نه فقط بعالت جلوگیری از خطرات مستقیم جنگ بلکه بخطر زبانهای غیر مستقیم آن ، حذف بودجه جنگی و تخصیص آن به نیازمندیهای عمومی نیز هست . بدین سبب است که مبارزه پدران و مادران ایرانی برای وادار کردن رژیم به اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت و حذف بودجه جنگی در درجه اول اهمیت قرار دارد .

اعلامیه حقوق کودک

تصریح میکنند که کودکان حق دارند به زبان مادری خود درس بخوانند اصل مسلمی است که هرگز از طرف زمامداران ایران رعایت نشده است . از آنجست که حقوق فرهنگی خانهای ایران از جانب رژیم ازجایی شاه مورد انکار قرار گرفته است ، میلیونها کودکی که زبان مادریشان فارسی نیست مجبورند به زبان فارسی درس بخوانند و این امر ، تحصیل کودکان را دچار اشکال فراوان میسازد . باید برای تسهیل آموزش این عده از کودکان دولت را وادار نمود که حقوق فرهنگی خانهای ایران را برسمیت بشناسد .

علاوه بر حقوقی که مستقیماً به کودکان تعلق میگردد و رعایت آنها برای تأمین سعادت کودک ضروری است ، تقض حقوق بزرگسالان و بی عدالتی اجتماعی نیز بطور غیر مستقیم در زندگی کودکان تأثیر میگذارد و خوشبختی آنها وامورد تهدید قرار میدهد . برای نمونه ، عدم اجرای اعلامیه حقوق بشر در کشور ما و

کودک اندر دیار سرمایه

کودک اندر دیار سرمایه بیخبر از نوازش صادر ، استخوان سگان بود قوتش سنگ ناسور کوچه ها بستر .

سوخته همچو شمع کافوری در سیه چال مدنی مرطوب ؛ خم شده پشت دستگاره عنود از سحرگاه تا اوان غروب .

کودکان دیده ام به هرم تموز بر سر تخته ریگ خفته به درد ، چون گل منجمد فتاده بچاک بهمن بی امان چو زد دم سرد .

شهر و ده پر بود از این اطفال چهره ها خسته ، جامه ها پاره ، در میان زباله گمشده رزق جسته همچون سگان آواره .

در نتیجه فقدان آزادیهای دموکراتیک ، شرایط زندگی هزاران خانواده را از هم گسیخته و هزارها کودک را از آغوش پدر مهر بیرون کشیده است . پدرانی که تنها به گناه داشتن عقیده ، بجرم میهن پرستی و بشر دوستی در جریان مبارزات ۲۵ سال اخیر بدست جلادان شاه به قتل رسیده اند ، پدرانی که بجرم داشتن عقیده سیاسی بزندان افتاده اند و تبعید شده اند و هم اکنون نیز تعداد بسیاری از آنان در زندانهای تهران و شهرستانها در بندند و یا بانتظار احکام ظالمانه دادگاههای فرمایشی شاه روزشماری میکنند . مسئول تباهی زندگی این کودکان کیست ؟ پدران و مادران را علیه رژیم استبدادی شاه مبارزه کنید تا دیگر هرگز میله های زندان بین پدر و فرزند حائل نشود ، تا دست دژخیم کودکان بیگناه را بی سر پوست نکنند . هیچ کودکی پدر خویش را اسیر دست جلاد ببیند .

بنا به تصمیم شورای فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان از تاریخ ۳ تا ۶ اکتبر ۱۹۶۶ (۱۱ تا ۱۴ مهر ۱۳۴۵) کنگره اناس بین المللی کودک در شهر استکهلم (سوئد) تشکیل خواهد شد . دستور کار کنگره عبارتست از :

تأمین شرایط لازم برای شکستگی روحی و جسمی تمام کودکان

مسئله آموزش و پرورش بهداشت کودک

فعالیت کودک خارج از مدرسه و خانواده و در ایام فراغت .

این کنگره اناس با شرکت نمایندگان سازمان های زنان و سازمانهای دفاع از حقوق کودک تشکیل خواهد شد تا برای بهبود زندگی کودکان سراسر جهان ، طرقی بیابند . فرصت مناسبی است تا آن عده از سازمانهای موجود زنان در ایران ، که به سرنوشت کودکان میهن خویش صمیمانه علاقمندند نمایندگان خود را باین کنگره اناس بفرستند تا ضمن انعکاس زندگی کودکان ما در این کنگره اناس ، با توشه ای از تجربیات مبارزه زنان سایر کشور ها در راه تأمین حقوق کودک به میهن خود بازگردند . شاید این تجربیات در مبارزه پدران و مادران و در نتیجه بهبود شرایط زندگی کودکان ما مؤثر افتد .

بژوه

تاکی دشنام؟ تاکی اتهام؟

(در باره يك مقاله ضميمه آلمانی روزنامه «ایران آزاد»)

با نهایت صراحت انتقاد کرده‌ایم، جهات منفی و مثبت آن را بر شمرده‌ایم. ولی برخی سخنگویان پر سر و صدای جبهه ملی ایران در زمینه برخورد تحلیلی به روش خود چکار کرده‌اند؟ آیا حتی یکبار در باره سیاست جبهه ملی در این دوره و در دوران زمامداری آقای دکتر مصدق يك بحث علمی و جدی بعمل آورده‌اند؟ آیا حتی یکبار يك سند مشبع در این باره منتشر کرده‌اند؟ در جلسات جبهه ملی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اینجا و آنجا تشکیل شده‌است در اغلب موارد جز کشمکشهای خصوصی، زد و بندهای گروهی و در بهترین شکل، جز فوران احساسات و عواطف چه چیز وجود داشته‌است؟ در موارد متعدد تمام جلسات جبهه ملی مصروف ارائه نامه‌های آقای دکتر مصدق و رد یا قبول آنها شده‌است. تازه هیچگاه جبهه ملی براهنهائی های آقای دکتر مصدق وفادار نبوده‌است و بشکل موسمی، در تصمیمات خود تغییر داده‌است.

ما از کسانی که سیاست حزب توده ایران را در دوران ملی شدن صنایع نفت انتقاد میکنند میپرسیم: آیا سیاست جبهه ملی ایران در این دوره خالی از هرگونه نقص و اشتباه بوده‌است؟ اگر نبوده‌است پس چرا حتی یکبار این نقائص و اشتباهات را مورد بحث قرار نداده‌اید؟

در مرداد ۱۳۳۲، هنگامیکه کودتای سرلشکر زاهدی بوقوع پیوست، این حزب توده ایران نبود که بر رأس قدرت بود حزب توده ایران حزبی بود محروم از فعالیت علنی این دولت جبهه ملی بود که دولت را در دست داشت. این دولت جبهه ملی بود که

در سرکوبی مثنی توطئه گروخائن تملل کرد و بآنها میدان داد تا قدرت را در دست گیرند. مسئول شکست نیروهای ملی در مرداد ۱۳۳۲ بدون تردید در درجه اول جبهه ملی است نه حزب توده ایران. ولی آقایانی که بحزب ما دشنام میدهند این حقایق را نادیده میگیرند.

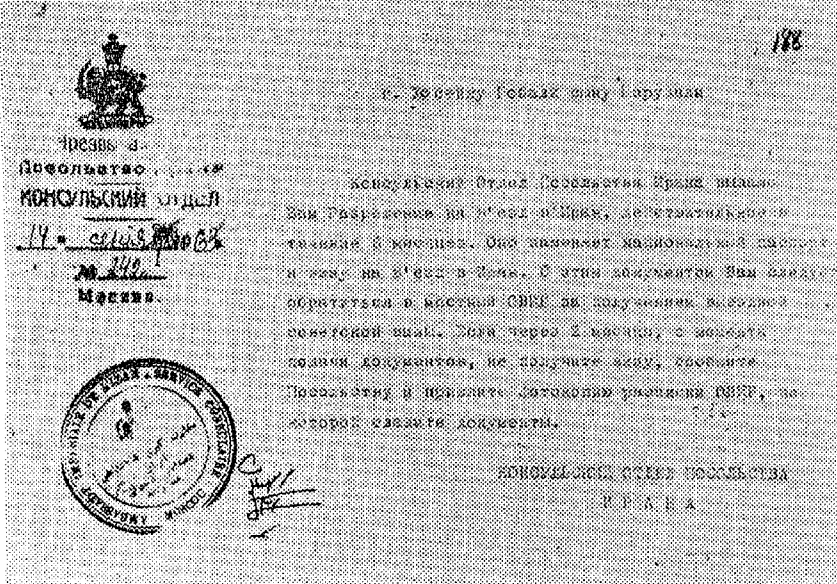
در نشریه مورد بحث یکجا از بازگشت ستوان قبادی به ایران و اعدام او صحبت میشود. با لحن گزنده مینویسند که ستوان قبادی به تقاضای سازمان امنیت بعنوان «هدیه» تحویل دولت ایران شد و اعدام گردید. آنچه ناشرین نشریه مورد بحث در این باره مینویسند و در گذشته نوشته‌اند، سرتا پا نادرست است. ستوان قبادی بنا به تقاضا و اصرار مکرر در مکرر شخص خوش

بعد از گرفتن اجازه بازگشت و ویزا از سفارت ایران در مسکو بایران بازگشت، ولی مقامات ایران ناجوانمردانه و علیرغم وعده‌های خود باو، او را تیرباران کردند. حزب توده ایران سعی فراوان کرد که او را از بازگشت بایران با توجه به نیرنگ‌بازی رژیم کنونی باز دارد، ولی ستوان قبادی در بازگشت خود اصرار کرد. در قبال اصرار بقیه در صفحه ۷

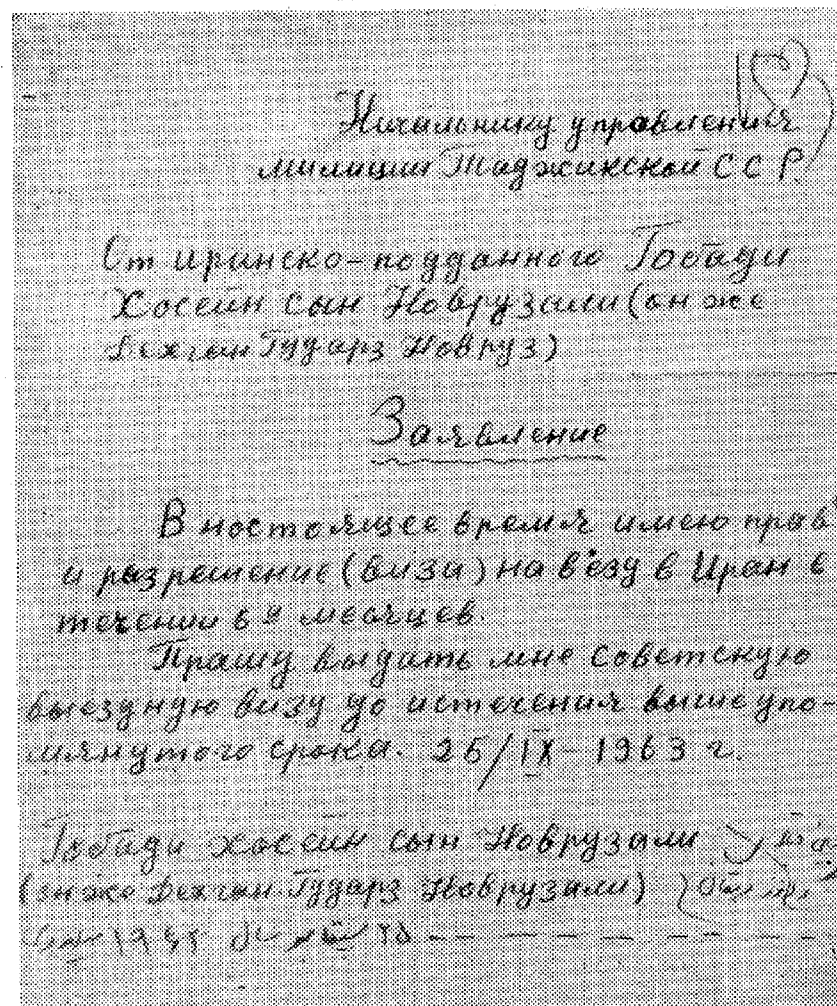
اخیراً شماره‌ای از نشریه «ای. ن. ف. انفرماسیون» ضمیمه آلمانی «ایران آزاد» از ارگان سازمان اروپائی جبهه ملی ایران (مورخ ۱۳ مارس ۱۹۶۶) بدست ما رسیده‌است. ما در میان مطالب این شماره فقط توجه خود را بمقاله‌ای که در صفحه آخر این نشریه تحت عنوان «حزب توده ایران، دست نشانده مسکو» نوشته شده‌است معطوف میداریم. در این مقاله که سر تا پا دشنام و اتهام به حزب توده ایران است، جز تکرار همان مطالب کهنه و منسوخ قدیم چیزی وجود ندارد. در گذشته، در روزنامه مردم ارگان مرکزی و مجله دنیا ارگان تئوریک و سیاسی حزب، بکرات در باره این بهانه‌های بی پایه و اساس صحبت کرده‌ایم. مطلب مهم این است که ناشرین نشریه مورد بحث پس از مدتی که بنظر میرسید نشریه «ایران آزاد» (که قبلاً به مورد بحث ضمیمه آلمانی آنست) سکوتی نسبی را در باره باصطلاح «مبارزه» علیه حزب ما مراعات میکند، یکبار دیگر، حمله بحزب ما را آغاز کرده‌است. ما با بحث و تبادل نظر متقابل، با انتقاد شدن و انتقاد کردن، در چارچوب اصول، نه تنها مخالف نیستیم بلکه آنرا يك مقدمه اجتناب ناپذیر برای تحقق اتحاد در صفوف اپوزیسیون مرفعی ایران میدانیم. ولی بحث و انتقاد بادشنامه گوتی و اتهام زنی تفاوت دارد. یکی مفید است، یکی مضر. یکی به اتحاد و تعاون متقابل به نیروهای ملی و ضد استعماری کمک میکند و یکی زیان میرساند. دشنام گوتی بحزب ما آنهم درست در روزها و هفته هائی که به مناسبت مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران مبارزه متحدانه ای جریان دارد، چه معنائی میتواند داشته باشد؟

ما در شماره‌های اخیر مجله دنیا، بسهم خود کوشش کردیم و در آینده هم کوشش خواهیم کرد که بحث در داخل اپوزیسیون مرفعی ایران را از حیطه فحاشی و اتهام زنی خارج کنیم و به مجرای معتدل و منطقی و اصولی بیندازیم. ولی مناسفانه ناشرین نشریه مورد بحث بهمان راه قدیم ادامه میدهند. ادامه این وضع بفتح کیست جز بفتح رژیم ضد ملی - ضد دموکراتیک کنونی.

در مقاله دشنام آمیز این نشریه یکبار دیگر به حوادث دوران ملی شدن صنایع نفت و روش حزب توده ایران اشاره شده‌است. حزب ما سیاست خود را در این دوره، در پلنوم چهارم کمیته مرکزی مورد بحث تفصیلی قرار داد و اسناد و قطعاتی های مربوط باین بحث را منتشر کرده‌است. این اسناد و قطعاتی ها در مقیاس وسیع نشر یافته‌است. روشن است که حزب در این دوران برای خود اشتباهاتی قائل است و چنانکه لازمه يك حزب جدی و صدیق است آنها را نمی پوشاند. چرا اتهام زندگان بحزب ما این اسناد و قطعاتی ها را مورد توجه قرار نمیدهند؟ ما از سیاست حزب خود در این دوره



نامه کنسولگری ایران در مسکو خطاب به ستوان قبادی دایر بر اجازه عزیمت بمشاریه برای بازگشت بایران



نامه ستوان قبادی که بخط و امضاء خود اوست خطاب به رئیس شهربانی تاجیکستان ستوان قبادی در این نامه به مقامات شوروی اطلاع میدهد که، «اکنون حق و اجازه (رواید) ورود بایران در عرض شش ماه را در دست دارم. تقاضا دارم رواید خروج از شوروی را در عرض مهلت فوق در اختیار من گذارید».

دو سند فوق را مقامات شوروی در قبال اقدام حزب ما برای روشن کردن جریان بازگشت ستوان قبادی بایران در اختیار ما گذاشته‌اند.

هموطنان عزیز ارفقای حزبی

P. B. 4176

Stockholm 4
Sweden

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو بینک ایران ماهانه مردم مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

روزنامه توفان چگونه « تکامل » یافت

در پهن ماه ۱۳۴۲ روزنامه جدیدی بنام «توفان» در غرب انتشار یافت. نشرات این روزنامه ناشناس بودند. ولی از مطالعه نخستین شماره‌ها در ظاهر میشد نتیجه گرفت که این روزنامه - صرفه نظر از جمله بردازهای احساساتی و کلی بافی و برخی تحلیل‌های نادرست سیاسی - نشریه‌ای است « ضد رژیم »، « ناسیونالیست »، « مذهبی » و « هوادار اتحاد نیروهای ملی ». در شماره ۷ « توفان » خود را از گان تشکیلاتی بنام « جنبش سی تیر » و نشرات را « گروهی مستقل و متکی بخود » بخود از مبارزات ترقیخواه ایران « معرفی کرد. در شماره ۹ « توفان » در سرمقاله خود برای نخستین بار نیش زد به اتحاد شوروی را آغاز کرد. این نیش زدن به اتحاد شوروی در مقالات مربوط به «یتیم» خوب آهن و سفر برزف به ایران در شماره‌های بعدی ادامه یافت. در شماره ۱۵ « توفان » بیش از دو صفحه از ۴ صفحه خود را به چاپ « بیان نامه دومین کنگره حزب دمکرات کردستان » اختصاص داد که در آن به حزب توده ایران حملات خصمانه‌ای شده و اتهامات ناروایی وارد گردیده است. در شماره ۱۸ « توفان » اعلامیه سه نفر انشعابی را انتشار داد از آنچه که انشعاب را « کوشش ارزنده ای » برای « احیای حزب سیاسی طبقه کارگر، میدانست و « شرکت فعالانه همه رفا را در پیشگیری از این کوشش ارزنده » توصیه میکرد. در مقدمه همین اعلامیه معلوم شد که نشرات «توفان» گروهی از « جوانان مارکسیست - لنینیست » اند. در شماره ۱۹ « توفان » نامه یکی از انشعابیون را همراه یک مقدمه منتشر کرد. هم مقدمه و هم نامه دفاع از انشعاب و ایرادات و حمله به حزب توده ایران است. در شماره ۲۱ « توفان » در سرمقاله خود نوشت: « پس از انتشار اعلامیه و نامه ضمیمه توفان شماره های ۱۸ و ۱۹ عکس العمل‌های گوناگونی از جناحهای مختلف و « مرکزها » نسبت به اقدام ما انجام پذیرفت که برای ما بسیار آموزنده بوده است. ما تنها نامه‌های تشویق آمیز دریافت نکرده‌ایم بلکه کسانی نیز بوده‌اند که بر این اقدام ما ایراد گرفته‌اند و ما از آنها نیز آموخته ایم. در مورد انتشار این نامه‌ها بنابر شیوه خود باز هم این سؤال برای ما مطرح بوده است که آیا این اقدام به رشد و تقویت اراده توده‌ها در انجام کار مستقل و آگاه کمک میکند؟ و سپس تصمیم گرفتیم که از انتشار آنها فعلاً خود داری کنیم. در شماره ۲۲ « توفان » (آخرین شماره‌ای که بدست ما رسیده) ۱۵ ستون از ۱۸ ستون خود را به شدید ترین حملات بیسابقه به حزب توده ایران و به اتحاد شوروی و دفاع از انشعابیون اختصاص داده است و همان روزنامه ای که هر گونه مرکزی را نفی میکرد در شماره اخیر خود بیکی از «مرکزها» یعنی « مرکز انشعابی » پیوست و سخنگوی پرحرارت آن شد.

تقایی که در دیده شد

هر کسی که « تکامل » روزنامه توفان را بررسی کند بناچار سؤالات زیر برایش مطرح میشود: چطور شد نشریه ای که نخستین شماره‌های خود را با کلمات «فصلی علی و حسین» و با تصاویر « دکتر مصدق و دکتر قاضی » آغاز کرد و « هیچ سیاسی چه زرد و چه سرخ و چه سیاه و چه سفید » را تعیین کننده می خود نمیدانست ناگهان «مارکسیست - لنینیست» شد و آتش از آب درآمد؟ چطور شد که روزنامه‌ای که میوشت... وقت آن نیست که بتصور مجازات و یا اصلاح این یا آن حزب آن و یا این تشکیلات سرگرم جدال بی‌موقع و ناموزن شد و تا آگاهانه آن کرد که دشمن را آرزو است و چنان سرگرم «جدال» شده است که کم سابقه است؟ چگونه کسانی که ناشناس بودند و بعد به «گروه مستقل ترقیخواه» تبدیل شدند جلاچین صحبت میکنند که گویا از بنیادگذاران حزب توده ایران اند؟ چطور شد که کسانی که همه را صرف نظر از عقاید سیاسی و وابستگی حزبی «به اتحاد برزف رژیم» که هدف اصلی است « دعوت میکردند و حتی در شماره ۲۱ « توفان » انتقاد درستی را که به آنها شده است ظاهراً قبول کردند، ناگهان در شماره بعد تمام نیروی خود را به ایراد ناروا تریب اتهامات و خصمانه ترین حملات به حزب توده ایران و حزب برادر اتحاد شوروی متوجه کرده‌اند و میخواهند آنرا «بهر قیمتی هم شده است» ادامه دهند؟

سخنی چند در باره روزنامه توفان

تفرقه افکنی در لباس وحدت طلبی خرابکاری از راه انقلابی مابی

با این حرارت در این راه دشمن شاد کن پیش میروند؟

تفرقه افکنی مذموم و محکوم است ولو در لباس وحدت طلبی.

خرابکاری از راه انقلابی مابی

انشعابیون اعضاء حزب را بقطع ارتباط با رهبری و در واقع با حزب توده ایران دعوت میکنند « ایجاد سازمانهای پراکنده و مستقل را توصیه میکنند و وعده میدهند که در جریان جنگهای پارتیزانی (که البته شروع آن دشوار است و تاریخ آن معلوم نیست) حزب طبقه کارگر باید احیاء شود. نشرات «توفان» همین محتوی را با شعار مبارزه برضد « رهبری ها و سازمانها و مرکزها » و تشویق « کار مستقل توده‌ها » تکرار میکنند. ولی در پشت سر انقلابی مابی در باره « جنگ پارتیزانی » و « ستایش توده‌ها » (که حرف است) باک عمل واقعی وجود دارد و آن کوشش برای مناشی ساختن حزب توده ایران « برای مدل کردن حزب طبقه کارگر ایران » برای محکوم کردن طبقه کارگر و همه مارکسیست - لنینیستها به پراکندگی سازمانی و در نتیجه شکست است. به این عمل که برای آن « تئوری » هم ساخته‌اند جز انحلال طلبی و خرابکاری چه نامی میتوان داد؟ چگونه میتوان هنگامیکه بیش از هر زمان دیگر به سازمان - انهم سازمانی با اندیشه و عمل واحد نیاز هست تمام نیروی خود را در راه انحلال طلبی بکار انداخت و به آن نام « احیاء حزب طبقه کارگر » داد؟

این اولین بار نیست که میکوشند حزب توده ایران را مناشی سازند. آخرین بار هم حتماً نخواهد بود. گاه اینکار بکمک سرنیزه انجام میگردد. گاه با سلاح «مارکسیسم - لنینیسم». ولی اگر این درست است که آرزوی دیرینه دشمنان ملت ایران و طبقه کارگر ایران از بین بردن حزب توده ایران است، آنوقت نوع سلاح فرق نمیکند. مردم عمل را می بینند و خرابکار و انحلال طلب را اگر چه خود را «مارکسیست لنینیست» هم بدانند محکوم میکنند.

توفان تعریف میکند

در چهره جدید «توفان»، لکه دیگری نیز بچشم میخورد که جعل و تحریف است. در شماره اخیر این نشریه (شماره ۲۲) ارزیابی‌های نادرست و تحلیل‌های آرزوی غرض بسیار است. ما بی آنکه قصد جوابگویی باین قبیل مطالب را داشته باشیم اشاره به تفسیری را که بر پایه «یک تعریف فاحش در مقاله‌ای تحت عنوان «کنگره پیوسته نسبی کمونیسم»! انجام گرفته است ضرور میشماریم تا خوانندگان آن نشریه را از خوشبختی در قبال ارزیابی‌ها و بویژه «اتوالی» که گردانندگان آن از دیگران نقل میکنند برخورداریم.

در مقاله مزبور که به «ارزیابی علمی» کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی اختصاص دارد بنا «استناد» به سخنرانی دبیر کل آن حزب در کنگره چنین دعوی شده است: «دبیر کل حزب «برزف» در سخنرانی خود بارها از طرز فکرهای بورژوا مشانه در میان جوانان و هنرمندان شوروی و از علاقه و تمایل آنان به هر چیزی که از غرب میآید شکوه و شگفتی کرد. نظیر همینگونه سخنان را برزف در کنگره اخیر سازمان جوانان کمونیست شوروی کمسومول ایراد کرده‌است... بعقیده او شیوع کیش بورژواشی در جوانان و علاقه آنان به پدیده‌های غرب زده از آنجا ناشی میشود که گویا نسل امروز انقلاب دیروز را با چشم ندیده و جنگهای میهنی دیروز را شخصاً احساس نکرده است و بنابراین نمیتواند از تجربه‌های انقلابی بهره گرفته بشود و به پرنسیپ‌های آن وفادار بماند! روزنامه «توفان» در دنباله این بحث سپس میافزاید: «... آریا جایی تعجب نیست که رهبر حزب کمونیست کشوری مشعل شوروی... شیوع و پرور

بنظر ما بتمام این سؤالات فقط دو پاسخ میتوان داد: یا توفان از همان آغاز انتشار خود نشریه‌ای بود وابسته به انشعابیون که نقاب بر چهره گذارده بود و یا آن «گروه مستقل ترقیخواه» سابق و «جوانان مارکسیست - لنینیست» لاحق از فرصت استفاده کردند تا بتوانند مشی ضد توده‌ای و ضد شوروی خود را ترویج کنند. ولی نتیجه یکی است. نقاب دریده شده است. این درس آموزنده‌ای است. دنیای ما دنیایی نیست که بتوان مدت زیادی از چهره واقعی خود را در جریانات سیاسی پنهان نگاهداشت. اگر کسی نخواهد دست خود را رو کند زندگی اینکار را خواهد کرد.

ما قصد مجادله با «توفان» را نداریم. بچند دلیل: نخست آنکه ایرادات باصطلاح «تئوریک آنها» (و همچنین «تئوریهای من‌آوردی آنها») بقدری ناپخته و وسوسه است که وارد شدن در چنین بحثی تلف کردن وقت است. ما با طرح و بحث مسائل تئوریک و سیاسی در نشریات خود برای روشن کردن ایدئولوژی و سیاست حزب به این «ایرادات تئوریک» پاسخ میگوئیم. دوم آنکه بسیاری از «استدلالات» این «گروه مستقل» تکرار نظریات انشعابیون است (شاید هم خود آنها نوشته‌اند). پاسخی ما به انشعابیون در این زمینه کافیست. سوم اینکه ما هدف اصلی خود را هرگز فراموش نمیکنیم و امکان نمیدهم که مارا بجوابگویی به اتهامات و بجهت‌های بی‌سر انجام بکشاند و ما را از وظیفه تجهیز توده‌ها برای استقرار حکومت ملی و دموکراتیک در ایران باز دارند.

با اینهمه در اینجا فقط به سه نکته اشاره میکنیم تا عیار روزنامه «توفان» برای کسانی که آنرا میخواهند روشن شود.

تفرقه افکنی در لباس وحدت طلبی

«توفان» بویژه در شماره‌های نخستین خود کلمات پرسوز و گداز در باره « اتحاد » نوشته است. در شماره ۹ نوشته شده است: « اتحاد و اتفاق... اینست راه نجات... در واقع هم راه نجات ملت ایران اتحاد اوست. ولی زمانیکه میشد در مرزها حرف باقی ماند مذهب‌ت است گذشته. در عمل! انهم عمل صادقانه باید نشان داد که به اتحاد اعتقاد هست و در راه تحقق آن کوشش میشود. «توفان» نشان داد که نه فقط در دعوت به اتحاد صادق نیست بلکه در لباس وحدت طلبی به تفرقه افکنی مشغول است. آخر کجای مشتب کردن حزب طبقه کارگر ایران - که یکی از نیروهای مهمتر پانفوذ و اصلی در جنبش رهایی بخش کشور است - با دعوت به اتحاد مطابقت دارد؟ چگونه با پخش نظریات نادرست و «مشقت کردن» افکار مردم میتوان به اتحاد فکری و عملی کمک کرد؟ چگونه در وضعی که همه نیروها را باید برضد رژیم تجهیز کرد، میتوان هدف اصلی حمله را حزب توده ایران قرار داد؟ «توفان» کار را بجائی میرساند که در نامه وارد و تحت عنوان «سخنی با رهبران حزب توده ایران» نه فقط مارا متهم به کمک به پلیس میکند بلکه به تفتین بین ما و سایر نیروهای ملی میپردازد و می‌نویسد: «این نکته (یعنی کمک ما به پلیس) دارای اهمیت زیادی است، دارای چنان اهمیتی که جا دارد نه تنها افراد اپوزیسیون و انتقاد کنندگان داخلی در آن تأمل کنند بلکه نیروهای مترقی دیگر نیز که رهبری حزب توده ایران را از مواضعی نظیر اپوزیسیون مورد انتقاد قرار میدهند در مناسبت خود با رهبری حزب آنرا بحساب بگذارند. مگر «توفان» در نخستین شماره اش نوشت که «وقت آن نیست که... نا آگاهانه آن» کرد که دشمن را آرزو است؟ مگر این تفرقه افکنی آرزوی دشمن نیست؟ چه کسی از انشعاب در حزب توده ایران - از جمله به حزب توده ایران - از تقنین بین حزب توده ایران و سایر نیروهای ملی جز رژیم سود میبرد؟ پس چرا

افکار بورژوازی و خرده بورژوازی را توجیه کند؟ «توفان» از ما است. مردم) «توفان» شماره ۲۲ صفحه ۳. تکیه روی کلمات از ما است. مردم) بدینسان صاحب این «ارزیابی علمی» مدعیست که گویا برزف نه تنها یکبار بلکه بارها از «شیوع کیش بورژواشی» در میان جوانان «شکوه و شگفتی» کرده است و گویا معتقد است که چون «نسل امروز انقلاب دیروز را با چشم ندیده و جنگهای میهنی دیروز را شخصاً احساس نکرده است... نمیتواند از تجربه‌های انقلابی بهره گرفته و به پرنسیپ‌های آن وفادار بماند». سرانجام «توفان» مدعیست که گویا لئونید برزف ضمن سخنرانیهای خود «در توجیه» «شیوع کیش بورژواشی» در میان جوانان کوشیده است.

به سخنرانیهای دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره ۲۲ و در کنگره سازمان کمسومول مراجعه کنید تا ببینید تهیه کنندگان مقاله «توفان» در زمینه جعل و آژگونسازی چه «بی‌باکی» عجیبی از خود نشان داده‌اند. تکذباتی که برزف گفته با آنچه که «توفان» از قول او ساخته است کوچکترین وجه مشابهتی با هم ندارد. آنچه که برزف گفته است اینست که «هرچه در تاریخ روزهای اخیر دور میشود و عده بیشتری از پسران و دخترانی که آزمایشهای حیاتی دشوار را نکرده‌اند وارد صفوف کمونیستها میشوند - مسؤولیت در زمینه انجام وظایف تربیتی ایدئولوژیک بیشتر میشود» (از سخنرانی برزف در کنگره سازمان کمونیست تکیه روی کلمات از ما است. مردم).

حال خودتان اکتفا بدهید: تا کید بر روی مسؤولیت تربیتی ایدئولوژیک چه وجه مشترکی میتواند با این ادعا داشته باشد که گویا جوانان شوروی در شرایط کمونی نمیتوانند به پرنسیپ‌های انقلاب وفادار بمانند؟ آنچه که برزف گفته درست است. پرورشه‌های اجتماعی عظیمی چون انقلاب، نبرد های انقلابی و جنگهای میهنی خود مکتب تربیتی و پرورشی عظیمی است و در دوره‌های قتل این مکتب پرورش تاریخی نقش تربیتی اهمیت ویژه ای کسب میکند. همین اندیشه ساده و درست است که برزف با آن اشاره کرده است، ولی «توفان» این اندیشه را تحریف کرده و مشکل کاملاً مجعول و نادرست منعکس نموده است.

در سراسر سخنرانیهای برزف در کنگره ۲۲ حزب و در سازمان کمسومول نه فقط بارها بلکه حتی یکبار هم از «شیوع کیش بورژواشی» در میان جوانان و روشنفکران شوروی سخن گفته نشده و کلمه‌ای در «توجیه» «شیوعی» بکار نرفته است. برعکس در هر دو سخنرانی با شور و هیجان روح انقلابی، رمانتیسم انقلابی و نجابت انقلابی جوانان وفاداری بی‌تاریخ آنان به آرمانها و اصول انقلابی استود شده است. لئونید برزف تا کید کرده است که «رمانتیسم انقلابی ذاتی جوانان شورویست» و او پس از توصیف خدمات درخشان جوانان شوروی به ساختمان جامعه نوین و وظائف شخص حزب و سازمان کمسومول در زمینه تکمیل اشکال و اسالیب کار تربیتی در میان جوانان خاطر نشان میسازد و ضمن اشاره به نقائص موجود در این زمینه سازمانهای مربوطه را برقع آنها دعوت میکند و از جمله میگوید: «برخی از سازمانهای حزبی و کمسومول گاه این نکته را از نظر دور میدارند که نسل کمونی پسران و دختران مکتب سخت و دشوار مبارزه انقلابی و آبدیدگی را که نصیب نسل ارشد بوده‌است ندیده‌اند. برخی از جوانان میخواهند خود را از زندگی جوشان پرکار نگاهدارند، روحیه اتکالی دارند، از دولت خیلی چیزها میخواهند ولی وظائف خود را قبال جامعه و مردم از یاد می‌برند. ایدئولوژیهای بورژوا که دشمنان ما هستند بهمین افراد خام که در قبال هرگونه بیماری واگیر ایدئولوژیک جاساسند توجه دارند و میکوشند از آنها بسود خود استفاده کنند. ولی خوشبختانه این افراد در کشور ما انگشت شمارند» (از سخنرانی در کنگره ۲۲ تکیه روی کلمات از ما است. مردم).

«توفان» با چه منطقی از این سخنان نتیجه گرفته است که گویا برزف معتقد است که جوانان شوروی نمیتوانند به پرنسیپ‌های انقلابی وفادار بمانند! مقایسه این نقل قول‌ها با «ارزیابی علمی» تهیه بقیه در صفحه ۵.

شبه ای از :

فعالیت سازمان امنیت ایران (ساواک) در خراج از کشور

یکی از اقداماتی که هیئت حاکمه ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در راه اجرای سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود بدان احتیاج مبرم دید بسط دامنه ترور و جاسوسی بود. در مبارزه با جنبش آزادی بخش مردم ایران که دامنه اش همه جای کشور را گرفته بود، اکنون دیگر دستگاههای شهرتانی و رکن دوم ستاد ارتش غیرمکتفی بنظر میرسید. سازمانی متمرکز و مافوق دستگاههای موجود لازم بود که بتواند امور مربوط به جاسوسی و تفتیش عقاید را از هر جهت زیر نظر خود گیرد.

تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) بدین منظور بود. اداره این سازمان بدست ارتشیان سپرده شد. این امر هم امکان بیشتری برای اعمال فشار و ترور در اختیار سازمان قرار میداد و هم آنرا به شاه و دربار نزدیکتر میساخت. مستشاران امریکائی که اکنون بر کلیه شئون ارتش ما مسلط هستند این سازمان را نیز زیر نظر خود گرفتند تا در حدود لازم از تجربیات خود آنرا برای مبارزه با جنبش مهجور سازند.

اکنون سهم کلانی از بودجه کشور در اختیار این سازمان است. آراشهای ظاهری که در حقیقت مخفیانی بیش نیست در نتیجه فعالیت وحشت بار این سازمان بشکل خاکستری بر روی آتش برقرار شده است.

در عرض وضع خراج کشور دستگاه دیکتاتوری ایران با ناراحتی کرده است.

فرد حال حاضر بیش از سی هزار نفر دانشجو و محصل وعده زیادی ایرانیان متفرقه در اروپا و امریکا پسر میبرند. جنبش علیه رژیم موجود بین آنان در گسترش روز افزون است و انعکاس آن در داخل کشور برای هیئت حاکمه اثر نامطلوب دارد. مقابله با این جنبش وظایفی را در مقابل ساواک مطرح میسازد که عبارت است از:

- ۱) کار تبلیغاتی بمنظور جلوگیری بر چه بیشتر از رسوخ افکار مترقی بویژه میان جوانان و دانشجویان.
 - ۲) مبارزه عملی با عناصر و سازمانهای مترقی.
- برای انجام این وظایف سازمان و شیوه های دیگری لازم است که با آزادی نسبی کشورهای اروپا و امریکا در تضاد قرار نگیرد.

نخستین اشکال عدم امکان ایجاد يك سازمان متمرکزی است که تمام امور مربوط به خراج کشور را تحت کنترل خود داشته باشد. این فعالیت باید در چهارچوب امکانات و با استفاده از وجود نمایندگی های انجام گیرد که بر اساس روابط عادی بین کشور ایران از یکسو و کشورهای دیگر مجاز شمرده شده اند. بهمین جهت مأمورین ساواک بایستی مأموریت خود را تحت عناوین گوناگونی انجام دهند: وزیر مذهب، سفارت کبری، دبیر سفارتخانه، سرکسول، وابسته نظامی، وابسته فرهنگی، وابسته بازرگانی، وابسته مطبوعاتی و غیره.

برای نمونه میتوان چند مثال آورد: سهپید علوی کیا، مأمور عالی رتبه سازمان امنیت در سمت وزارت مختار در سفارت کبری ایران در آلمان غربی، سرهنگ حقیقی مسئول کارهای سازمان امنیت - وابسته سفارت ایران در ژنو.

ولی این بدانمعنی نیست که نزد هر سفارتخانه و یا کونسولگری تنها يك مأمور سازمان امنیت وجود دارد. سهپید علوی کیا باصطلاح وزیر مختار ایران در کابل که مأموریت وسیعی از جانب سازمان امنیت بهده اش گذاشته شده است خود دارای دستگاهی است مرکب از عده ای کارمند مأمور ساواک. این وزارت مختار در واقع نقش مرکزی نسبت به چند کشور بازی میکند. سرکسولگری هان-بورگ، کونسولگری مونس، نمایندگی کونسولی برلن غربی چه مستقیماً زیر نظر این دستگاه کار میکنند و از هر جهت مطیع اوامر آن هستند. اگر در نظر بگیریم که سرهنگ حقیقی و اتلیکی سفیر ایران در اتریش و بوشهری پور وابسته مطبوعاتی این سفارتخانه نیز اغلب امور امنیتی سوئیس و اتریش را نیز با ضمه علوی کیا انجام میدهند آنگاه بوسعت کار این مرکز غیررسمی بی میبریم. با وجود پور رستگار برادر زاده علوی کیا در سفارت ایران در پاریس این نظارت مرکز غیر رسمی بر آن سفارتخانه نیز برقرار است.

سازمان امنیت در همه جا سرپرستی های دانشجویان را نیز در اختیار داشته است. برخی از

سرپرست ها مانند مهندس حبیب نفیسی در امریکا یا نجوی سرپرست محصلین نفت در انگلستان خود مستقیماً مأمور سازمان امنیت بوده اند و یا مانند نفیسی بلاواسطه با مرکز و با مساند نیوی بواسطه مأمور بالا تری (خوانساری) ارتباط خود را تأمین میکرده اند. علاوه بر این ارتباطها بطور رسمی نیز سرپرستی ها موظف بودند کلیه جزئیات را رسماً بمأموران ساواک گزارش نمایند و روزوش هر گزارش به مرکز را برای ساواک نیز ارسال دارند. اکنون که تصمیم بر افو سرپرستی ها و سپردن کار آنها به نمایندگان سیاسی گرفته شده است این کار دیگر مستقیماً در دست سازمان امنیت خواهد بود.

از امور داخلی نمایندگان سیاسی ایران در خراج آنچه که بکلی از اختیار وزارت امور خارجه بیرون کشیده شده و مستقیماً زیر نظر مأموران سازمان امنیت قرار دارد کارهای گذرنامه ای و تابعیت است. در این زمینه مأموران وزارت خارجه در هر رتبه ای که باشند از کونسولیار گرفته تا سفیر کبیر کوچک ترین اختیار و اراده ای از خود ندارند و در دست مأمور سازمان امنیت در هر شکل ظاهری که باشد عروسکی بیش نیستند.

در خراج کشور بودجه هنگفتی در اختیار ساواک قرار دارد. بدیهی است که مانند سایر مؤسسات کشوری و لشکری در اینجا نیز قسمت اعظم این بودجه از طریق رسمی یا غیر رسمی، لوطی خور، میشود.

طریق رسمی بدان معنی است که عده ای از مأموران ساواک که مصنوعاً به این یا آن وزارتخانه وابسته شده اند (از قبیل وزارت خارجه، فرهنگ و غیره) حقوق رسمی آن شغل را از وزارتخانه مربوطه دریافت میدارند و مضافاً بر آن ساواک نیز حقوقی به آنها میدهد که در مواردی از حقوق اصلی آنها نیز متجاوز است. این نکته را نیز لازم است درباره مأموران ساواک اضافه کرد که مأموران سازمان امنیت از بین کسانی که بیش از دیگران سیمای انسانی خود را از دست داده اند برای مأموریت خراج انتخاب میشوند زیرا از عهده شیوه های لازم برای اجرای مأموریت سازمان امنیت در خراج (تهدید، تطمیع، شانتاژ، فریب، انواع تقاب ها و غیره) تنها اشخاصی میتوانند برآیند که فاقد فضائل انسانی باشند.

سازمان امنیت در خراج کشور کار خود را در بدو اسر از فعالیت وسیع تبلیغاتی آغاز نمود: بخش وسیع مطبوعات متناسب باین سازمان که از ایران ارسال میشود. تأسیس نشریات ویژه از قبیل «اخبار ایران» و غیره. کمک به مطبوعات متعلق بگروههای ارتجاعی ایجاد مجله گوناگون از قبیل «جهت شاه پرستان» و الخ. ولی فعالیت بی محتوی و تبلیغاتی عاری از مضمون نمیتوانست متمرکز کوچکترین نفوذی باشد. رژیم شاه اقتدر بی آبرو است که دفاع از آن منجر به بی آبرویی افراد و لو رفتن مأموران سازمان امنیت میشود. بهمین جهت مأموران سازمان امنیت دستور یافته اند که بلباس «مخالف رژیم»، «ملی» و حتی «مارکسیست» در آیند. اینکار دو فایده دارد. نخست آنکه شناخته شدن آنها را دشوار میسازد. دوم آنکه امکان ورود آنها را بسازمانهای ملی و مترقی فراهم میکند. در همانحال عملی با سازمانهای این سازمان بیشتر متوجه مبارزه ملی برای جلوگیری از بسط جنبش و خشی نمودن اقدامات گروه های مترقی شده است. اکنون قسمت اساسی بودجه و انرژی این سازمان در این راه مصرف میگردد.

بخش بزرگی از این بودجه تخصیص دارد به استخدام مأموران مخفی از میان خود ایرانیان و یا دانشجویانی که برای این کار آمادگی دارند و یا به تطمیع افراد. اجر خوش خدمت ترین افراد مزدور که کار قابل توجهی نیز در زمینه جاسوسی بین همکاران خود انجام داده باشند در یافت کارت رسمی ساواک است که بمناسبت همکاری با ساواک در راه وطن دوستی

و وطن خواهی و شاه دوستی، داده میشود (عبارت از نامه های برداشته شده است که بطور بخشنامه برای اینگونه افراد نوشته میشود).

ولی استخدام در سازمان امنیت آنچنان کار چرکین و بی آبرویی است که اگر کسی انگری از وجدان در وجودش باقی مانده باشد حاضر نیست بدان تن دهد. لذا طرق دیگری برای کشاندن در مجلاب و سپس غرقه ساختن در آن اتخاذ میشود. ساواک برای یافتن طرق لازم، اشخاص و بویژه دانشجویان را بوسایل ممکن زیر نظر میگردد، نقاط ضعف آنها را مورد مطالعه قرار میدهد به احتیاجات آنان پی میرسد و سپس دام خود را با استفاده از این نقاط ضعف و احتیاجات میگسرد.

از جمله بافاد محتاج و یا مسرف از طریق دوستانش، در خراج و یا حتی کشانش در ایران کمکهای شده است که در واقع از جانب سازمان امنیت و کمکهای الزام آور بوده است. این اشخاص بمناسبت «کمکهای» دریافت شده در مرض شانتاژ قرار گرفته اند و برخی از آنان نتوانسته اند خود را از این آلودگی برهاندند و از ترس آبرو و حیثیت خود (بدون توجه به اینکه اعاده آبرو هیچگاه در نیست) تسلیم شده اند. برخی دیگر زندگی خود را به تناسب این عایدی گذرا پایه گذاری کرده و بعداً نتوانسته اند آنرا محدود کنند و برای حفظ وضع موجود آن به همکاری داده اند.

از جمله طرقی که سازمان امنیت برای تسلیم اشخاص اتخاذ نموده است تهدید است. در شرایط خراج از کشور این تهدید بطور عمده بشکل توقیف گذرنامه و یا عدم تمدید آن بروز میکند. توقیف گذرنامه که در حقیقت سلب عادی تلبیت کشور از افراد است نمونه ایست از عری تسلطی که هیئت حاکمه ایران برای سازمان امنیت خود قائل شده است و در عین حال سنگی از رسوائی این دستگاه است که بدست خراجیان سپرده میشود. در آغاز امر ساواک از این راه برای خراج نمودن افراد از صحنه مبارزه و یا تسلیم آنها به همکاری استفاده زیادی کرد زیرا عدم آشنائی بوضع کشور های اروپا و امریکا و قوانین آن چنین تصویری بوجود آورده بود که گرفته شدن گذرنامه موجب قطعی اخراج از کشور خواهد بود.

در واقع هم خواه در امریکا و خواه در کشور های اروپایی در باره افراد بی گذرنامه مذاکرات مکرری بین مقامات سیاسی و یا بهتر بگوئیم امنیتی ایران و نیز سرپرستی های محصلین از یکسو و مقامات محلی ازسوی دیگر بعمل آمد ولی از آنجا که خواست مأمورین ایران با قوانین موجود در این کشور ها وفق نمیداد اقدامات مزبور نتیجه ای نبخشید و کار تنها با برخی توافق های فرعی پایان پذیرفت - مثلاً توصیه پلیس محل بهنگام تقاضای اجازه اقامت به اینکه خواست مراجعه کننده از طریق سفارت اقدام کند، و حال آنکه عدم مراجعه هم مانع تمدید اقامت نمیشد و تنها روی اشخاصی که آشنائی به قوانین ندارند يك نوع تأثیر روحی باقی میگذاشت. از تأثیر روحی این عمل و از تأثیر عملی گرفته شدن گذرنامه که مانع مسافرتها خراج از کشور میشود ساواک استفاده های لازم را نسبت به اشخاص ضعیف کرده و میکند.

باید توجه داشت که ساواک از هیچ اقدامی برای جلب همکاری سازمانهای پلیسی کشور های سرمایه داری فرودگار نکرده و کمابیش این همکاری برقرار است. در کشورهای دارای قوانین ضد کمونیستی این همکاری نزدیکتر و تنها منحصر به تبادل اطلاعات نیست بلکه در مواردی به تقبلیاتی نیز منجر میشود. البته آنچه دارای اهمیت است این تقبلیات نیست بلکه همان اطلاعاتی است که در نتیجه بی احتیاطی و تصور اینکه در محیط نسبتاً آزاد میتوان ملاحظاتی نداشت از طریق پلیس محل بدست سازمان امنیت میرسد و

بعد ها موجب استفاده قرار میگردد. اگر شاخص اساسی رژیم های دموکراتیک و ملی آزادی فعالیت سیاسی در چهار چوب قوانین موجود و تشویق مبارزه علیه امپریالیسم در راه آزادی و استقلال کشور است شاخص رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی ایران اختلاف هرگونه آزادی سیاسی و هرگونه مبارزه ضد امپریالیستی است.

هیئت حاکمه ایران از جوانانی که شور میهن پرستی همواره آنها را دعوت بمبارزه برای آزادی کشور میکند بیمناک است. دانشگاههای ایران مرکز توجه خاص سازمان امنیت و دستگاه پلیس است و هرگونه جنبش و حرکتی باخوشنوت سرکوب میشود.

اکنون برای خروج از کشور و ادامه تحصیل در خارج نیز موانع فراوانی تراشیده اند. برای آنکه دانشجویان خارج برود باید بدو از کنترل سازمان امنیت گذشته باشد. اخیراً قرار است که تمهیدی نیز در مورد عدم دخالت در سیاست بگیرند.

ولی برای سازمان امنیت تنها دور شدن جوانان از سیاست مطرح نیست. در درجه اول باید جوان را آلوده بقساد جاسوسی و همکاری با سازمان نمود. موفقیت این عمل قبل از هر چیز با امکانات دستگاه جاسوسی می افزاید و از جانب دیگر اگر هم کار بر ملا شد این شخص دیگر مورد نفرت دوستان خود است و طبیعتاً از صحنه سیاست بکنار میماند. در همین زمینه سازمان امنیت بشکل دیگری نیز عمل میکند و آن اینکه بوسیله عمل خود افراد با شرف و مترقی را مشکوک و عضو سازمان امنیت معرفی میکند و بدینوسیله با لکه دار کردن میهن پرستان ایجاد بی اعتمادی میکند. بنا بر این اعتماد مطلق و بی اعتمادی مطلق هر دو نادرست است. یکی منجر به بی احتیاطی میشود، دیگری کار را فلج میکند. دقت و هشباری همراه با تجربه در جریان مبارزه صداقت هر کسی را نشان خواهد داد.

اشخاصی که برای دیدار کسان خود و یا بمنظور انجام کاری در جریان تحصیل به ایران میروند یا از همان روز اول برای بازپرسی به سازمان امنیت دعوت میشوند و یا تحت نظر قرار میگیرند. مراجعت این اشخاص همواره با مشکلاتی روبرو است. از آنجا که اغلب دانشجویان حد اقل در کار های صنفی دانشجویی شرکت کرده اند لذا «مدرك» حد اقلی در دست سازمان امنیت هست که بتواند برای ارباب از آن استفاده کند. چه بسا با ارائه نامه های تقلبی به امضاء افراد مورد اعتماد این دانشجو موفق به فریب وی میگرددند. ساواک در آغاز کوشش میکند حد اکثر نتیجه را از آنچه در دست دارد و با تهیه نموده است بنماید. این نتیجه عبارت است از گرفتن تمهد همکاری مطلق. در صورت پافشاری زیاد این توقع رفته رفته تقلیل می یابد و به حد اقل خود میرسد: سپردن تمهد به اینکه اگر از

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۴

تفرقه افکنی در لباس و حدت طلبی خرابکاری از راه انقلابی مآبی

کننده مقاله «توفان»، عمق تحریفی را که در آن نشریه انجام گرفته است آشکار میسازد.

هشدار باش

از : توفان، چه بالی مانده است؟ يك مشی ضد توده ای و ضد شوروی! ولی حزب توده ایران علیرغم نقائص و مشکلات خود انقلابی ترین و مشکل ترین حزب و تنها حزب مارکسیست - لنینیست در میهن ماست. اتحاد شوروی بزرگترین کشور سوسیالیستی سازنده کمونیسم و پشتیبان همه نیرو های مترقی و آزادیخواه در سراسر جهانست. نمیتوان ادعای میهن پرستی و کمونیستی کرد و روش خصمانه بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی در پیش گرفت. ممکن است اتهام و افترا زد و اذهان را برای مدتی مشوب ساخت. ولی این سزایشب خطرناکی است. ما بهمه آنها که هنوز صداقتی دارند هشدار پاش میدهم که تجربه و سروشوت ضد توده ایها و ضد شورویها را در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ بیاد آورند.

رویدادها - یادبودها

در گرفت شرکت جست . رفیق روستا پس از ذکر تجاوز وحشیانه امپریالیسم در بیت نام ، فعالیت خطرناک محافل تلافی طلب آلمان غربی ، تاخت و تاز خونین ارتجاع در اندونزی و توطئه های امپریالیستی در کوبا ، دومینیکن و خاور میانه گفت : «در شرق میانه توطئه های جدیدی در حال تکوین است : امپریالیست ها با دست عمال خود مانند شاه ایران و امیر فیصل پادشاه عربستان سعودی و امثالهم در صدد ایجاد اتحادیه جدیدی بنام اتحاد اسلام هستند . سپس رفیق روستا در باره وضع خاور میانه ، عراق و عربستان جنوبی سخن گفت و آنگاه رشته کلام را به شرح وضع ایران کشاند و گفت : «امپریالیستهای امریکا با دست شاه و هیئت حاکمه ما در کشور رژیم دیکتاتوری و فاشیستی مستقر کرده اند و هیچگونه آزادی سندیگانی ، دموکراسی نطق ، بیان و آزادی مطبوعات و اجتماعات وجود خارجی ندارد . منابع ثروت و نفت ما در دست انحصارهای بین المللی در درجه اول امریکا و انگلستان است و در سال بیش از صد میلیون تن نفت ما را بغارت میبرند . سپس رفیق روستا گفت : « شاه در مدت ۶ ماه اخیر صدها نفر از دانشجویان و کارگران آزادخواه را بدوین مختلف بزندان انداخته و رهبران آنها را باعدم و حبس محکوم کرده است از آنجمله دو نفر از رفقای نهضت کارگری ما را چنانچه گفته شد به اعدام محکوم کرده است که همبستگی شما ها و بشریت مترقی را برای نجات آنها نخواهیم . ضمناً بایستی از ابراز همبستگی کارگران فرانسه و ایتالیا و دانشجویان ایرانی ادووا و سایرین در اینجا تشکر نمایم . »

رفیق روستا صحبت مشروح خود را با ابراز موافقت با انعقاد کنفرانس وسیع برای توسعه مناسبات اقتصادی و بازرگانی و تشکیل جلسه مشاوره زنان زحمتکش خاتمه داد .

جوانان جهان از مبارزه مردم ایران

پشتیبانی میکنند

هفتمین مجمع فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۶ تا ۱۷ ژوئن (۱۶ تا ۲۷ خرداد) در شهر صوفیه تشکیل شد . نمایندگان سازمانهای جوانان ۹۹ کشور در این جلسه شرکت داشتند . نمایندگان چندین سازمان جهانی و همچنین نماینده اونسکو از مدعوین جلسه بودند . تعداد نمایندگان بیش از ۴۵۰ نفر بود . در این جلسه گزارش فعالیت فدراسیون از مجمع ورشو سال ۱۹۶۲ تاکنون ، تحلیلی از زندگی و مبارزه جوانان جهان مطرح شد .

نمایندگان باادامش گزارش فعالیت سازمان خود ، در بحث و انتقاد شرکت نمودند . مجمع قطعنامه های سیاسی ، تشکیلاتی و برنامه عمل آینده فدراسیون را بتصویب رساند و ارگانهای رهبری را انتخاب کرد .

هیئت نمایندگی جوانان توده ای ایران بطور فعال در این مجمع شرکت نمود . هدف هیئت نمایندگی ایران معرفی اوضاع فملی کشور ، مبارزه مردم و جوانان در راه صلح ، دمکراسی و استقلال واقعی ، علیه رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی ایران و جلب باز هم بیشتر همبستگی جوانان جهان برای نجات زندانیان سیاسی ایران و دفاع ازجان رفقا پرویز حکمت جو و علی خاوری بود . سخنگوی جوانان ایران رژیم استبدادی و ترور سیاه شاه را افشا کرد ، نقشه امپریالیستی و ارتجاعی ایجاد « پیمان اسلامی » را توضیح داد . ماهیت مانور

فعالیت سازمان امنیت ایران

طرف احزاب سیاسی چپ مراجعه ای برای کار شد و با مطبوعاتی به وی دادند آنرا به سازمان اطلاع دهد که این خود یک نوع زمینه ایست برای وابستگی آنی . در مبارزه با جنبش ' بزرگترین هدف ساواک جدا کردن نیرو ها و تفرقه اندازی بین آنها است . در این راه از هیچگونه تشبیه و تقابلی فرو گذار نمیشود . انتشار روزنامه های تقلبی ، مردم ، را همه بخاطر دارند . ولی اینگونه اقدامات بسیار نابخفته و رسوا کننده است . لذا اکنون کوشش های دقیق تری بعمل می آید تا اقدامات تفرقه انگیز ظاهراً ربطی به فعالیت ساواک پیدا نکنند . بطور غیر مرئی توسط کسانی در داخل سازمانهای صنفی و سیاسی و از طریق تحریک و پروو کاسیون در جماعت و مطبوعات انجام گیرد . در موارد بسیاری این اقدامات بی نتیجه هم نمانده است . هم اکنون در یک رشته از سازمانها در نتیجه اینگونه تحریکات داخلی تضاد های شدیدی بوجود آمده است .

در میان کلیه سازمانهای سیاسی در درجه اول حزب توده ایران است که هدف تحریکات خرابکاری ها و تفرقه اندازی های سازمان امنیت میباشد . این نخستین دستوری است که مأموران سازمان امنیت به هر یک از کارکنان خود میدهند . طرح مسائل خارجی در سازمانها و مجامع بطوریکه نیرو های مترقی و بورژوا هواداران حزب توده ایران مجبور به موضع گیری شوند و در نتیجه شناخته گردند ، یکی دیگر از شیوه های سازمان امنیت است . متأسفانه از آنجا که ضد کمونیسم همچنان در میان نیرو های ملی قوی است ، با سلاح مخالفت با حزب توده ایران ، تفرقه افکنی مؤثری است . نیروهای ملی از طرف سازمان امنیت انجام میگردد . توجه باین نکته که هرگونه عمل تفرقه افکنانه

قبل از هر چیزی در جهت خواست سازمان امنیت ایران است میتوان گفت کم کم شایانی برای جلوگیری از آن بنماید : خواه از راه تحت نظر گرفتن و شناخت اشخاصی که باین عمل دست میزنند و خواه از نظر برخورد هشیارانه . پیروندست گفته شود هنگامیکه گروهی از کمونیستهای آلمان غربی از حزب کمونیست جدا شدند و به فعالیت جداگانه پرداختند و برای پخش مطبوعات خود و بورژوا برای رساندن آن به اشخاص چپ و کمونیست بی ادرس میگشندند آدرس اینگونه اشخاص را پلیس با وسائل مخفیتر در دسترس آنان گذارد و حال آنکه این جدا شدگان از لحاظ دعوی خود از کمونیست های منتسب به حزب کمونیست انقلابی تر بنظر میرسیدند . راه باز کردن برای نشر آزادانه مطبوعات منتسب به حزب کمونیست چین حتی در کشورهایی که در آن قوانین ضد کمونیستی حکمفرماست از این نظر است .

برای هر کمونیست و آزادخواهی ، برای هر علاقمند به جنبش آزادیبخش کشورش این گفته باید همواره نصب العین باشد که میگوید اگر دینی عملت دشمن را خوشحال کرد بدان که حمایتی در آن وجود داشته است .

جسورتر و پیکار جو تر به خیابانها آمدند و به تظاهرات علیه رژیم ادامه دادند . شهرهای قم ، شیراز ، مشهد و تبریز به هواداری مردم تهران پیافاستند همه جا تانک و گلوله از مردم استقبال نمود . ولی مردم با مقاومت خود و با پیگیری در مبارزه علیه رژیم نشان دادند که برای تأمین مطالبات خود تا پای جان حاضرند . حوادث سه سال اخیر کذب ادعای شاه را دایر بر «مبارزه بافئودالهای مرتجع» باثبات رساند . علیرغم ادعای او نه تنها يك مالک یا فئودال به پای میز محکمه خوانده نشد بلکه انعطاف بیش از حد رژیم در برابر ملائین و فئودالها و عرضه طرق گوناگون برای تأمین منافع آنها بروشنی نشان داد که شاه و ملاکان در برابرهم نیستند بلکه در کنار هم اند . تظاهرات روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد بوسیله نیروهای مسلح شاه سرکوب شد ولی مبارزه مردم ادامه یافت . دستگیرها ، محاکمات ، حبس ها ، تبعید ها

های رژیم و رفورمهای شاه را برملا ساخت و گفت که هدف این رفورمها سیر دادن ایران در جاده سرمایه داری و تشییع وضع بسود امپریالیسم و ارتجاع است سخنگوی جوانان ایران توضیح داد که علی رغم اقدامات رژیم در جهت بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی تغییر در ماهیت ضد دمکراتیک و ضد ملی رژیم حاصل نشده است . پس از ذکر واقعات متعددی از جنایات رژیم سخنگوی جوانان ایران همبستگی جوانان جهان را برای دفاع ازجان رفقا حکمت جو و خاوری خواستار شد او گفت : هیئت نمایندگی ما ، شما نمایندگان کنگره را مورد خطاب قرار داده و تقاضا میکند که از تمام امکانات خود برای نجات زندانیان سیاسی ایران و این دو رفیق محکوم همگ استفاده کنید صحبت برسرجان دو میهن پرست شجاع ، دوفرزند وفادار کشور ماست ، و از هیئت های نمایندگی شوروی ، آلمان دمکراتیک ، لهستان ، بلغارستان ، چکسلواکی ، مجارستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز سازمانهای دموکراتیک در فرانسه ، ایتالیا ، اطرش ، عراق ، لبنان و آلمان غربی و سایر سازمانها که با این میهن پرستان همدردی نشان دادند تشکر کرد . سخنگوی جوانان ایران سپس از روزگار تیره جوانان کشور ، از بسط پیکاری دشواری های تحصیل و مبارزات آنها سخن گفت و از جانب جوانان ایران تجاوز امریکا این زندانم بین المللی را در وی تمام بسختی محکوم نمود . سخنگوی جوانان در پایان سخنرانی خود روش برخی از نمایندگان را که کوشیدند جلسه را به بحث و مشاجره بکشاند مورد انتقاد قرار داد و گفت : ما از کسانی که اتهامات بی اساس را مطرح نموده و بعضی از هیئت های نمایندگی را مورد حملات بی پایه قرار میدهند و باین ترتیب مانع کار عادی این مجمع که محیط آرام کار نیاز دارد ، میشوند اظهار نگرانی و ناخوشی عمیق میکنیم . در خاتمه نطق ، هیئت نمایندگی هدیه ای از کارهای دستی اصفهان را که برای فدراسیون آورده بود تقدیم ریاست جلسه نمود .

مجمع تلگرافی برای نخست وزیر ایران ارسال داشت و در آن اتوا حکام اعدام رفقا حکمت جو و خاوری و آزادی فوری آنها را خواستار شد . در قطعنامه مجمع در باره خاورمیانه به مبارزه جوانان و مردم ایران علیه قرارداد های نظامی ، علیه قرارداد باصطلاح اسلامی برای دمکراسی و استقلال واقعی اشاره شده و فدراسیون و تمام جوانان جهان خواسته است تا به این مبارزه یاری رسانند .

یوری گلاگورین و عده زیادی از نمایندگان کارت پستهای اعتراضی را امضاء نمودند و اعلام کردند که در کشور های خود جنبش همبستگی با جوانان ایران را توسعه خواهند داد .

مجمع کار خود را در ۲۷ خرداد خاتمه داد .

یادی از تظاهرات ۱۴ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

روز های ۱۴ و ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ ، ناراضیای مردم از رژیم شاه ، بصورت تظاهرات پر دامنه تهران ، قم ، شیراز ، مشهد و تبریز سرازیر شد . هزاران نفر از مردم تهران از آزادی اجتماعات در ایام سوگواری عاشورا استفاده نمودند و با شعار های سقوط شاه ، آزادی زندانیان سیاسی و تأمین انتخابات آزاد به خیابانها آمدند . عکس العمل شاه در برابر این تظاهرات خشن و وحشیانه بود . نیرو های مسلح در پناه تانکها به مقابله با مردم شتافتند و زن و مرد و پیر و جوان و کودک را بگلوله بستند . بروایت خیر گزارهای خارجی در این روز در تهران ۲۰۰۰ نفر از مردم به قتل رسیدند . شاه بسیار کوشید این کشتار بیرحمانه را توجیه کند ، وی مدعی شد که تظاهر کنندگان عده ای فئودال و ملاک و جمعی مردم فریب خورده بوده اند . مردمیکه روز ۱۴ خرداد به گلوله بسته شده بودند روز ۱۵ خرداد

نطق رفیق رضا رادمش

واقعی میهن خود ندارند اعتراض نموده و تقاضای لغو احکام و استخلاص آنها را نموده اند سپس گذاری میکنند و امیدوار است که بسط مبارزه اعتراض عمومی جهانی توأم با مقاومت مردم ایران رفقای ما را که در آستانه مرگ قرار دارند نجات دهد و در عین حال از این راه گامی در جهت دموکراتیزاسیون جامعه ما و ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما برداشته شود .

علیرغم رژیم ضد ملی و استبدادی موجود فعالیت در میهن ما برای استقرار يك رژیم واقعا ملی و دموکراتیک بسط و دامنه بیشتری مییابد و در مبارزه شدیدی که بدیدم منظور هم اکنون در داخل و خارج کشور در گرفته است اساس يك وحدت اصولی علیه رژیم ضد ملی و استبدادی بی برتری میگردد .

حزب ما و همه گروهها و احزاب و شخصیتهای ملی و دموکراتیک در کشور ما توطئه های اخیر برخی از محافل ارتجاعی خاور میانه و خاور نزدیک را که با الهام امپریالیسم و در زیر ماسک دروغین اتحاد اسلام تخم نفاق و تفرقه را در بین کشورهای این منطقه می افشانند شدیداً محکوم میکنند .

ما عقیده داریم هرگونه اختلال و هرگونه تجزیه و تفرقه در صفوف نیرو هاییکه بخاطر صلح و استقلال و دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه مینمایند از جانب هر کشور یا گروه و یا هر جزئی و بهر بهانه ای صورت گیرد بدون تردید کمک به نیرو های ارتجاع و تهاجم و جنگ است .

مبارزه پیگیر با هرگونه افتراق و فعالیت همه جانبه در راه احیاء وحدت در اردوگاه سوسیالیسم ، در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در صفوف جنبش های رهایی بخش ملی مهمترین وظیفه ایست که اکنون در برابر همه کمونیستها قرار دارد . ما با اقداماتی که در این زمینه از طرف حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چکوسلواکی و سایر احزاب کمونیستی و کارگری صورت گرفته است کاملاً موافقم و برآنیم که تنها يك وحدت اصولی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم حلاق و انترناسیونالیسم پرولتری و بر اساس خط مشی مصوب جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ میتوانستند به تفرقه موجود پایان بخشند و راه را برای عقب نشینیها و شکستهای تازه امپریالیسم و ارتجاع هموار سازد . ما باین داریم که تصمیمات شما در کنگره حاضر گام مهمی در جهت عملی شدن این هدف است و عالی است و از این جهت نیز بیروزی های بزرگی را برای شما آرزو میکنیم .

زنده باد حزب کمونیست چکوسلواکی و سیزدهمین کنگره آن !
زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی پایگاه عمده صلح و دموکراسی و سوسیالیسم در جهان !
زنده باد دوستی خانهای چکوسلواکی و ایران !
زنده باد وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری !

رادپویك ایران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند .

رادپویك ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادخواهان ایرانی است . رادپویك ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید .

و اعدامهای چند سال اخیر همه نشانه مخالفت عمیق مردم و مبارزه صادقانه آنان علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه است . ۱۳ سال مبارزه مداوم علیه رژیم کودتا میتواند فقط از جانب ملتی هشیار ، مبارز ، مقاوم و فداکار انجام گیرد .

«در باره مسائل فلسفی فروش هندوانه در شهرهای بزرگ»

مقاله ای که ذیلاً میخوانید ترجمه بخشهایی از مقاله ایست که تحت همین عنوان در روزنامه «ژن مین ژیبائو» ارگان حزب کمونیست چین و سایر روزنامه های مرکزی چین چاپ شده است. نویسنده این مقاله «جوئوسین لی» نام دارد. وی مدیر شعبه ای از شرکت خرده فروشی میوه و خواربار شهر شانگهای است. بولتن اطلاعاتی خبرگزاری چین بنام «خبرگزاری سین خوا» در شماره سه شنبه سی و یکم ماه مه سال ۱۹۶۶ ظاهراً بواسطه اهمیتی که برای این مقاله قائل بود خلاصه ای از آنرا در صدر کبیه مندرجات خود جای داده است.

ما بخشی از این مقاله را ترجمه میکنیم تا خوانندگان با نمونه ای از برخی روشهای تفکر، گیز که در جمهوری توده ای چین برای باصلاح آشنا ساختن توده ها با اندیشه های فلسفی بکار می رود شخصاً آشنائی حاصل کنند. این نوع روشها همراه با مبارزه ای که اخیراً بعنوان اجراء انقلاب فرهنگی و زیر شعار «اهریمنان افمی صفت را بروییم» انجام میگردد و منجر به دور کردن رئیس آکادمی علوم گوموژو، رئیس دانشگاه پکن-لوپین و شهردار و عضو بولیت بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بن جن وعده ای دیگر از کار شده است حاکی از پیدایش فضای سیاسی ومعنوی خاصی در چین است که نمیتوان آنرا سالم و اصولی شرد.

غرابت مقاله در آنست که گویا حتی برای حل مسئله ساده فروش هندوانه در شهرهای بزرگ نمیتوان از عقل سالم و تجربه روزمره فیض گرفت و حتماً این کار را باید با زر اندیشی های فلسفی و آنها هم انحصاراً بکمک آثار شخص معین حل کرد. برای یاد دادن اندیشه های فلسفی و بطور کلی دیالکتیک مارکسیستی به توده ها (امری که ضرورت آن مورد تردید نیست)، چنانکه تجربه خلقها و انقلابها نشان میدهد، راههایی وجود دارد که هرگز دارای چنین غرابت ساده لوحانه نیست و تأثیر پایدار و عمیق آن نیز بر مراتب پیشتر است. لذا این طرز عمل فاقد توجیه منطقی است.

بهتر از هر توضیحی خود مقاله از خود سخن میگوید. خبرگزاری سین خوا در ابتدا مینویسد:

«نویسنده مقاله شرح میدهد که چگونه شعبه او راه کاهش میزان اتلاف هندوانه را در جریان فروش آن بهنگام تابستان، کشف کرده است. شعبه مزبور در پرتو این امر توانست مقادیر بیشتری هندوانه را با مصارف کمتر و درآمد بیشتر بفروش برساند. جوئوسین لی علت این کامیابی را بررسی و انطباق عملی اثر مائوتسه تونگ تحت عنوان

«در باره تضاد» توضیح میدهد. نویسنده مقاله خاطرنشان میکند: «ما کشف کردیم که تضاد عمده در چیست و آموختیم که جانب عمده این تضاد را چگونه باید حل کرد.» سپس او مینویسد که در سال ۱۹۶۳ در بحبوحه فصل فروش هندوانه هر روز ۲۵۰ تا ۴۰۰ تن هندوانه به شعبه او وارد میشد در دنباله این شرح در بولتن اطلاعاتی چنین آمده است:

«چگونه میبایست تمام این هندوانه ها را بفروش رسانید؟

جوئوسین لی مینویسد که من و رفقایم از اندیشه های موجود در اثر رفیق مائوتسه تونگ «در باره تضاد» نیروی فراوان کسب کردیم. رئیس مائوتسه تونگ خاطرنشان کرده است که: «ششی بدون تضاد وجود ندارد.» «بستگی متقابل و مبارزه ضدین که ذاتی هر پدیده ایست عامل تعیین کننده چگونگی حیات هر ششی و هر پدیده و محرک تکامل تمام اشیاء و پدیده ها است.»

جوئوسین لی و رفقایش با خود گفتند مهمترین نکته تشخیص چگونگی تضادها و حل تضاد عمده از میان این تضادها است. آنها پس از تحقیق و بررسی معلوم کردند که تضاد عمده در فروش هندوانه عبارتست از تضاد میان مقادیر زیاد هندوانه در بحبوحه فصل و کمبود نیروهایی که بفروش آن اشتغال دارند. نمودار مشخص این امر تضاد میان کمبود مراکز فروش و نیروی کار و وسائل حمل و نقل از یکسو و انبارهای کالا از سوی دیگر و نیز رهبری کار فروش است. کشف این تضاد با آنها کمک کرد دقیقاً معین کنند که حل چه مسائل و مشکلاتی را در پیش خواهند داشت.»

سپس در مقاله سین خوا گفته میشود: «رئیس مائوتسه تونگ خاطر نشان کرده است که باید: «نیروها را با تأمین تفوق آنها متمرکز ساخت و دشمن را جزء بجزء نابود کرد.» با آنکه این اصل بتاکنیک نظامی مربوط است ولی جوئوسین لی و رفقایش این اصل را برای حل مسئله ای چون فروش هندوانه مناسب دیدند، مغازه های وابسته به این شرکت که بفروشی مشغول انواع دیگر کالاهای نظیر میوه های تازه و خشک و خواربار وارده از شمال و جنوب و سیگار و مشروبات الکلی و شیرینی و بیسکویت نیز میفروشد. تصمیم گرفته شد در آرایش قوای فروشندگان در ماههای ژوئیه و اوت سال ۱۹۶۴ که هندوانه ب میزان زیادی وارد میشد تجدید نظر گردد تا نیروهای مشغول فروش هندوانه تقویت گردند...» در بحبوحه فصل در شبکه وسیع مراکز خرده فروشی هندوانه ۳۰۰ فروشنده بکار پرداختند. یکی از مراکز در تمام طول فصل ۳۰۰ تن هندوانه فروخت. اکثریت فروشندگان بکار هندوانه فروشی گماشته شدند...»

ویت نام

جوانی، باروانی شاد و بیدار
پیای گوهساری خانه ای داشت.
زنش، گو بود زیبا و وفادار
بدامن کودک دردانه ای داشت.
زمانی آن جوان شد تا که از دشت
بسوی خانه آرد روزی روز،
چو شد شام و ز گشت دشت برگشت
جهانی دید گرم شعله و سوز:

یکی عفريت آدمخوار سفاک
بروی مرز و بومش پر کشیده،
زنش را کشته و افکنده بر خاک
سرایش را به آتش در کشیده.

ز بام و در بلا و مرگ ریزان
بر آید صخه ها از دور و نزدیک
شده فرزند دلبندهش گریزان
ز چنگ دیو در نی زار تاریک.

جوان چون دید خاک خود ز خون رنگ
ز درد و خشم فریاد از جگر زد،
به چنگ دیو ناخوش ساخت آهنگ
بچستی دامن همت به پر زد.

اگر چه دیو آتش در دهان داشت
ز چنگال مهیش خون چکان بود
ولی آن گرد، جادویی نهان داشت
دلش بی بیم و جانش بی تکان بود.

ز مهر و کین سراپا بود نیرو
ز عزم رزم بر تن داشت جوش
به چنگ دیو آدمخوار از اینرو،
نه زاتش داشت پروائی نه ز آهن.

ز هر سو دیو می پیچید، آن گرد،
بر او زخمی دگر میزد به بیکر،
جوانی، چنه او لاغر و ترد
ظفر میکرد بر غولی تناور.

بود آن دیو امریکای خونخوار
جوان، آری، ویت نام است نامش
چنان در رزم خود چست است و پادار
که آخر کار خواهد شد بگامش.

بقیه از صفحه ۳

تا کی دشنام؟ تا کی اتهام؟

دائمی و مکرر او راهی جز قبول نبود. این که میگوید دولت شوروی ستوان قبادی را بر اثر تقاضای سازمان امنیت تحویل دولت ایران داد، کذب محض و اتهام پشیمانانه ای بیش نیست. مادر همین شماره روزنامه مردم، بعضی از اسناد مربوط به این جریان را منتشر کردیم تا اتهام زنان روسیه شوند.

اما آنچه در باره توفیق دو تن از دانشجویان ایران، در جمهوری دموکراتیک آلمان و نقش حزب توده ایران در این جریان نوشته میشود، باز جز اتهامی بیش نیست. توفیق دو تن دانشجوی ایرانی در جمهوری دموکراتیک آلمان مطلقاً به حزب توده ایران

در اینجا مقاله از چارچوب مسائل فلسفی خارج میشود و باین نتیجه میرسد که مسئله فروش هندوانه بدین طریق در تابستان مورد بحث حل شد و این امر، هم بمشتریان و هم به هندوانه کاران کمون روستائی سود رساند.

مربوط نیست. این دو نفر، بدنبال نقض مقررات مرزی جمهوری، توفیق شدند. مسئول این جریان کسانی هستند که آنها را باین اقدام تشویق کرده اند. مسئول کسانی هستند که از حسن نیت و شور و علاقه جوانان کشور ما در جهت اجرای مقاصد سوء خوش استفاده میکنند. چرا نویسندگان چیه ملی نمیخواهند حقایق را به بینندگان تحریف و تقلیب واقعیات چه نتیجه ای عاید میشود؟

ما همانطور که بارها گفته ایم، هوادار اتحاد و وحدت عمل تمام نیروهای ملی و ضد استعمار در مبارزه بر ضد رژیم ضد ملی - ضد دموکراتیک کنونی ایران هستیم. کوشش برای اتحاد و وحدت عمل مستلزم قطع بحث و انتقاد اصولی نیست. ولی بحث و انتقاد اصولی فحاشی و اتهام زنی نیست. در ایران روزنامه های وابسته به رژیم باندازه کافی به حزب توده ایران اتهام میزنند. ما توصیه میکنیم که حداقل ارگانهایی که بنام چیه ملی نشر میشوند با آنها همصدائی نکنند. همصدائی با آنها مفهومی جز آب ریختن به آسیاب دشمن مشترک ندارد.

کنگره جبهه ملی (بخش امریکائی)

استثانه های ما ، مجلس های قلابی نظیر آنچه می بینم درست میکند ، ثمره ای جز آنچه نتیجه کار ما داشته است ، نخواهد داشت . و بعد از پنجسال مبارزه ، در شرایطی کم و بیش نظیر آنچه در ۱۳۳۹ بوده ایم ، قرارمان داده است . تطبیق شرایط مبارزه دلیرانه ای که دکتر مصدق در شروع نهضت ملی شدن نفت کرد با شرایط کنونی داخل و خارج ایران و در نتیجه ، تجویز روشی چون انتخابات آزاد ، نشانه عدم اطلاع از ویژگیهای زمان ما و شرایط حاضر مبارزه است .»

بدین ترتیب باختر امروز صریحاً بی ثمری شیوه پارلمانی و انطباق ناپذیر بودن این شیوه را بر شرایط مشخص امروزی ایران ذکر میکند و از « بن بست » راه پارلمانی و « انتخابات آزاد » در شرایط اختناق آور رژیم کودتا سخن می راند . اما راهی که کنگره جبهه ملی ایران در امریکا ارائه میدهد چنین است :

« استقرار حکومت ملی و احیای سنن انقلابی مشروط با تجهیز وسیع نیروهای توده برای انداختن سلطه استعمار و آزمان برداشتن دستگاه حاکمه استبدادی متکی بان .»

لذا : « تجهیز وسیع نیروهای توده » منظور بر انداختن سلطه استعمار و استبداد و استقرار حکومت ملی و احیاء سنن انقلابی مشروطه راه و هدفی است که جبهه ملی (امریکا) در برابر خود نهاده است . بدون تردید این گامی است مثبت و بجو . هدف در اینجا دیگر استقرار « حکومت قانونی » نیست ، چیزی که معنائی مبهم دارد ، بلکه هدف استقرار حکومت ملی ، ضد استعماری و ضد استبدادی است . راه هم راه « انتخابات عمومی و آزاد » نیست که بشاهدت تجارب متعدد و انتخابات معروف به « تابستانی و زمستانی » چیزی جز مضحکه تقلب آمیز دربار نیست ، بلکه راه عبارتست از نگاه بسته ها ، تجهیز آنها ، سوق آنها بمبارزه . انعکاس رادیکالیسم توده های ایران در سازمانهای جبهه ملی موجب آن شد که این جبهه از پندار بافی پارلمانی و مطلق کردن شیوه های قانونی و علنی مبارزه دست کشید و بسوی طرق انقلابی روی آورد .

ما از این جریان به دو جهت خرسندیم . نخست از این جهت که جبهه ملی ایران در امریکا هدف و راهی را در برابر خود میگذارد که بیش از پیش به هدف و راهی که حزب ما در مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک در برابر خود نهاده مشابهت میابد . تردیدی نیست که فرمولبندی ما در این زمینه از جهت علیمت خود غنی تر و صریح تر است . ما بعنوان هدف از استقرار حکومت ملی و دموکراتیک که برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ، دموکراسی سیاسی و اقتصادی مبارزه کنند سخن می گوئیم .

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دادگاه تجدید نظر نظامی غیرمعتاد در جهان و ایران حکم جبارانه دادگاه بدوی را دائر به محکومیت رفقا پرویز حکمت جو و علی خاوری به اعدام تأیید کرد . برای صدور چنین حکم جبارانه ای هیچگونه دلیل و محمل قانونی وجود ندارد . تنها یک رژیم خود سری و جبر و فشار که دشمن اندیشیدن آزاد ، دشمن فضیلت و شخصیت بشری است میتواند میهن پرستانی بیگانه را بجرم عشق بآزادگی و دموکراسی بمرگ محکوم کند . مردم ایران ! جان علی خاوری و پرویز حکمت جو در معرض خطر جدی است . اگر مبارزات وسیعی که طی ماههای اخیر انجام گرفته با قدرت و شدت بیشتری ادامه یابد می توان دست درخیم را باز داشت و جان این دو فرزند ارجمند مردم ایران را نجات داد . ما خواستاریم که کلیه رفقای حزبی ، کلیه سازمانها و افراد مترقی ، در هر جا که هستند ، با هر وسیله ای که در اختیار دارند مبارزه برای نجات جان علی خاوری و پرویز حکمت جو را با تمام قوا تشدید کنند .

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

این مقدمه درست است ، پس درست است که تنها اقدام صحیح از طرف اپوزیسیون ضد رژیم عبارتست از عمل در جهت خلاف تمایل استعمار و استبداد ، در جهت وحدت عمل نیروها . این يك قضیه بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد . ولی این قضیه بدیهی نه تنها عملا پیش نمرود و نظریات تنگ و بهانه های کوچک و « مصالح » دسته ای و گروهی و محاسبات شخصی و انواع انگیزه های ناسالم تحقق این هدف را مانع میشود ، بلکه هرروزه بر تفرقه صفوف سازمانها افزوده میشود و در درون خود این سازمانها نیز گروهبندیهای جدید پدید میگردند . با این برآیند نمیتوان بر رژیم کودتا که اینک در کار خود کسب تجربه کرده است پیروز شد و قطعنامه های سودمند و تعیین شعارها و هدفها و راههای صحیح و حتی جانبازها و فداکارهای جدا جدا نیز قادر به تأمین پیروزی نخواهد شد . هیچ مصلحتی بالا تر از مصلحت وحدت رهبا نیست . این ضرورت قاطع جنبش رهائی بخش ایران در زمان ماست .

ما بارها گفته ایم و بار دیگر میگوئیم ، اپوزیسیون علیه رژیم ، صرفنظر از سمت و محتوی سیاسی آن ، نیروی معتناهی است که بسختی پراکنده است . امریالیسم و ارتجاع بکمک عمال آشکار و نهان خود و بکمک شیوه های محیله خویش باین نفاق دامن میزنند و به بقاء آن علاقه حیاتی دارند . اگر

ما بعنوان راه از توسل به افشاگری وسیع علیه رژیم مسلط بمنظور بسیج توده ها و سوق آنها بسوی انواع اشکال مبارزه از مسالمت آمیز تا قهر آمیز ، از علنی تا مخفی ، از سیاسی تا مطالباتی سخن میگوئیم . ولی غناء و دقت فرمولبندی ها با همه اهمیتی که دارد این نکته را نباید بیوشاند که در ماهیت نزدیکی زیادی بین ما و جبهه ملی در تعیین هدف و راه مبارزه در دوران کنونی پدید شده است .

دوم اینکه این شباهت راه و هدف ناچار منطقاً باید به تحقق وحدت عمل سازمانهای ما که مهمترین سازمانهای سیاسی در ایرانند کمک کند . شباهت هدف و راه ، یکی بودن دشمن ، یکسانی رنجها و قربانیها - بهترین ضامن ها ، بهترین پایه های وحدت عمل است . چرا این وحدت عمل تاکنون انجام نگرفته است ؟ هر بهانه ای هم که آورده شود ، قابل انکار نیست که مسئولیت این وضع به گردن آن عده از دوستان جبهه ملی است که نه فقط در این زمینه گام مثبتی برنمی دارند ، بلکه دست با اقدامات منفی نیز میزنند . برای این روش میتوان علل متعددی ذکر کرد ، ولی مسلم است که یکی از علل مؤثره عبارتست از آنتی کمونیسم . تصور آنکه این آنتی کمونیسم میتواند « ضامن سیاسی » پیروزی جبهه ملی در صحنه سیاست ایران (از طریق جلب پشتیبانی دولتها و طبقات ضد کمونیست) باشد ، در نزد برخی از دوستان جبهه ملی علت اساسی عدم توافق آنها با وحدت عمل نیروهای ضد رژیم و بویژه وحدت عمل توده ای و مصدقی است . آنتی کمونیسم پندار باطلی است که سیر زمان نادرستی آنرا افشاء خواهد کرد .

اگر سازمانهای جبهه ملی در اروپا و امریکا پس از گام مثبتی که در زمینه رادیکال کردن هدف و راه برداشته اند ، گامی مؤثر و مشخصی نیز در جهت وحدت عمل نیروهای مترقی ضد رژیم بردارند و سیاست بقاء در موضع تفرقه خاتمه دهند ، مسلماً روز رستاخیز کشور ما را نزدیکتر ساخته اند . روزی که چنین وحدت عملی اعلام گردد ، خود نیروی معنوی آن شکستی بزرگ است برای قوای اهریمنی استعمار و ارتجاع خواهد بود .

رویداد ها - یادبود ها

در یازدهمین کنگره حزب انقلابی

خلق مغولستان

یازدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان از هفتم تا یازدهم ژوئن ۱۹۶۶ در اولان باتور برگزار شد . کنگره گزارش کمیته مرکزی را که بوسیله رفیق سدنال قرائت شد مورد بحث قرار داد ، فعالیت سیاسی و عملی کمیته مرکزی و رهنمودهای چهارمین نقشه پنجساله جمهوری خلق مغولستان را تأیید نمود و برنامه جدید حزب را که برنامه تکمیل ساختمان سوسیالیسم در جمهوری مغولستان است تصویب کرد .

نمایندگان ۲۹ حزب مارکسیست - لنینیست از آنجمله نماینده حزب توده ایران رفیق دکتر حسین جودت عضو کمیته مرکزی و همچنین نمایندگان چند حزب دموکراتیک ملی در این کنگره شرکت داشتند . همه شرکت کنندگان کنگره ازوم احیاء وحدت صفوف جنبش کمونیستی و کارگری جهانی را متذکر شدند و پشتیبانی کامل خود را از مردم زجر دیده ویت نام که قهرمانان علیه امریالیسم تجاوزکار امریکا مبارزه میکنند ، اعلام داشتند . نماینده ایران رفیق جودت در این کنگره سخنرانی کرد . وی پس از بیان پیشرفت های درخشان خلق مغولستان و اظهار اعتماد بآنکه کنگره حاضر برای تبدیل مغولستان به يك کشور صنعتی - کشاورزی نقش مهمی ایفاء خواهد کرد به توصیف وضع ایران پرداخت و ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران را با ارائه واقعیات برملا ساخت و مبارزه دشوار ولی پیگیر مردم ایران را برای استقرار يك حکومت ملی و دموکراتیک توضیح داد . رفیق جودت سپس گفت وضع جهان و مبارزات مردم محافل حاکمه ایران را مجبور کرده است که برای حفظ خود و بقبب انداختن

انقلاب ایران به اصلاحاتی دست زنند که مهمترین آن اصلاح ارضی است که مناسبات سرمایه داری را در روستای ایران بسط میدهد . رفیق جودت پس از بیان تغییراتی که در سیاست خارجی دولت ایران از جهت بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی بروز کرده است تصریح کرد که این رفرمها و تغییرات بهیچوجه ماهیت رژیم را که متکی بر امریالیستهای امریکائی و انگلیس و بر ترور پلیسی است تغییر نمیدهد . تنها طی یکسال گذشته دادگاه های نظامی ۲۲ حکم اعدام صادر کرده و در ۲۰ مورد این احکام اجرا شده است . رفیق جودت همبستگی اعضا کنگره و خلق مغولستان را برای دفاع از جان رفقا حکمت جو و خاوری خواستار شد . در پایان سخنرانی خود رفیق جودت از مبارزه عادلانه خلق ویت نام علیه امریالیسم درنده امریکا پشتیبانی کرد . وی خواستار احیاء وحدت کامل در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری جهانی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و بر اساس مشی عمومی مصوب احزاب کمونیستی و کارگری در جلسات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ شد و گفت : « حزب ما از کلیه اقداماتی که در این جهت از طرف حزب پر افتخار کمونیست اتحاد شوروی و حزب انقلابی خلق مغولستان و احزاب برادر دیگر بعمل آمده است کاملاً پشتیبانی میکند .»

درسی دومی اجلاس فدراسیون

سندیکائی جهانی

۲۷ مه ۱۹۶۶ سی دومیین دورۀ اجلاس کمیته اجرائیه فدراسیون سندیکائی جهانی در شهر نیکوزیا (پایتخت قبرس) تشکیل بود . رفیق رضا دوستا عضو این کمیته در بحثی که در اطراف گزارش پیر جانوس و سیلوستر دبیران فدراسیون